

UNIVERSAL  
LIBRARY

OU 228828

UNIVERSAL  
LIBRARY







جلد اول



تطبیقات کریمی



( طبع اول )





فيها ما تشتهيهِ النفس وتلد الاعين

# تطبيقات كريهي

لارطب و لا يابس الا في كتاب مبين

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق الانسان وعلمه البيان والتبيان واوضح له الهدى والايمن والصلوة على من خص بالقرآن والاثار المحمودة الحسان واله حجج الرحمن المطهرين عن الرجس بنص القرآن اما بعد فيقول الفقير الى رحمة ربه الحاج اسدالله العراقي الشهير بالكريمي ابن المنتقل الى رياض القدس الحاج غلامرضا عفي الله عن جرائمهما وحشرهما مع اثمتهما علموا يامعشر الطالبين للحق واليقين المتمسكين بعروة اتباع اهل بيت سيد المرسلين صلوة الله عليهم اجمعين اني كنت حريصاً على طلب العلوم بانواعها فتبصرت الى ثمرات تلك العلوم و غاياتها وتاملت فيما ينتفع منها في المعاد وتبصرت فيما يوصل منها الى الرشاد فايقنت بفضلته و الهامه تعالى ان العلم لا ينتفع الا اذا اخذ من عين صافية نبت عن ينابيع الوحي و الالهام و ان الحكمة لاتجعب اذا لم تؤخذ عن نواعيس الدين و معاقل الانام فوجدت العلم كله في كتاب الله العزيز الذي لا ياتيهِ الباطل من بين يديه ولا من خلفه واخبار

اهل بيت الرسالة الذين جعلهم الله خزناً لعلمه و تراجمه لوحیه فترکت ما  
 ضعیف زماناً من عمری فیہ و اقبلت علی ما علمت انه سینفعنی فی معادی  
 فاخترت الفحص عن اخبار الائمة الابرار سلام الله علیهم اجمعین و اخذت  
 فی البحث عنها و اعطیت النظر فیها و اوفیت التدریب فیها و لعمری لقد  
 وجدتها سفینه نجات مشحونة بذخائر السعادات و الفیثا فلکماً مزیناً بالنیرات  
 المنجیة عن ظلم الجهالات و رایت سبها لائحة و طرقها واضحة و اعلام  
 الهدایة و الفلاح علی مسالكها مرفوعة و اصوات الداعین الی الفوز والنجاح  
 فی مناهجها مسموعة و وصلت فی سلوک شوارعها الی ریاض نضرة و حدائق  
 خضرة مزیة بازهار کل علم و ثمار کل حکمة و ابصرت فی طی منازلها  
 طرقاً مسلوکة معمورة موصلة الی کل شرف و منزلة فلم اعثر علی حکمة  
 الا و فیها صفوها ولم اظفر بحقیقة الا و فیها اصلها فبذلت غایة جهدی فی  
 ترویجها و عزمت بعد الاستعانة من ربی بحوله و قوته و الاستمداد من تائیده و  
 رحمته علی تألیفها و تنظیمها علی نظام غریب و تألیف عجیب

مقصود از تألیف این اوراق در تحت چند مانده توضیح داده میشود ۱ -  
 تبلیغ قوانین اسلامیة از عبادات - احکام - اخلاق - آداب - حفظ الصیحة -  
 علم فیزیک - شیمی - سماوی - ارضی - و غیر ذلك بذکر نمودن اخبار راعیاً ۲ -  
 ترجمه آنها بر اے عام بودن انتفاع ۳ - اطلاع به تحقیقات و نکات قوانین اسلامیة  
 است که بچه اسلوب تحقیق و بیان شده و مسبوق شدن باهمیت بعضی از قوانین  
 و سنن ۴ - بیان بعضی از حکم و مصالح آنها و تطبیق نمودن کشفیات امروزه  
 را با آنها بقدر میسر بامراعات اختصار  
 تبصره ۱ - چون در این تألیف بنا بر اختصار است لهذا در نقل اخبار  
 اسقاط روات شد

۲ - در تعیین مدرک اختصار شد به یکی از کتب معتبره

## عالم را صانعی است

فی البحار من كلام الصادق ؛ - فکریا مفضل فی اعضاء البدن اجمع و تدبیر کل منها للارب فالیدان للعلاج و الرجلان للسعی و العینان للاهتداء و النهم للاغتذاء و المعدة للهضم و الکبد للتغلیص و المنافذ لتنفیذ الفضول و الاوعية لحملها و الفرج لاقامة النسل و كذلك جميع الاعضاء اذا تاملتها و اعلمت فکرك فیها و نظرت و جدت کل شیء منها قد قدر لشیء علی صواب و حکمة قال المفضل ره فتلت یا مولای ان قوماً یزعمون ان هذا من فعل الطبیعة فقال علیه السلام سلهم عن هذه الطبیعة اهی شیء له علم و قدرة علی مثل هذه الافعال ام لیست كذلك فان اوجبوا له العلم و القدرة فما یمنعهم من اثبات الخالق فان هذه صنعه وان زعموا انها تفعل هذه الافعال بغير علم و لاعمد و كان فی افعالها ما قدر تراه من الصواب و الحکمة علم ان هذا الفعل للخالق الحکیم و ان الذی سموه طبیعة هو سنة فی خلقه الجاریة علی ما اجراها علیه ترجمه جعفران محمد الصادق ؛ میفرماید فکر کنی مفضل در اعضاء بدن و تدبیر کلیه آن اعضاء را برای حاجت پس دودست برای علاج . پاها برای سعی . دو چشم برای دیدن . دهن برای غذا . معدة برای هضم . جگر برای تصفیه و خلاصه نمودن . منافذ برای دفع فضولات بدن . اوعیه برای حمل آن فضولات و منتشر شدن در بدن . فرج برای پاداشتن نسل . و هكذا جميع اعضاء بدن اگر تامل و نظر کردی در آنها می یابی هر چیزی از آنها را تقدیر کرده شده از روی صواب و حکمت مفضل ره می گوید عرض کردم اے آقای من قومی گمان دارند که این حرکات و افعال از فعل طبیعة است فرمود سئوال کن آنها را از این طبیعة آیا وجودی است که از برای اوست علم و قدرت مثل این افعال یا نیست همچنین پس اگر جواب دادند که از برای طبیعة است علم و قدرت پس چه مانعی است آنها را از اثبات خالق و این افعال صانع اوست

و اگر گمان دارند که طبیعه فاعل است درحالتیکه نسبت از برای او علم و قدرت در صورتیکه تمام افعال اوست از روی حکمت و صواب معلوم میشود این فعل که در او است علم و قدرت از خالق است حکیم سوای آن طبیعه و آن نئی را که نام گذاشته اند طبیعه اوست سنه و عادت الهی در خلقت که بجزریان انداخته است خداوند متعال آن طبیعه را در عالم

## اسلام اطاعت و دعا کردن سلطان وقت را اهمیت داده

فی البحار - قال رسول الله ص طاعة السلطان واجبة و من ترك طاعة السلطان فقد ترك طاعة الله عزوجل و دخل فی نهیه ان الله عزوجل يقول و لا تلقوا بايديكم الى التهلكة ترجمه رسول اکرم ص فرمود اطاعت سلطان واجب است کسیکه اطاعت نکند سلطان را اطاعت نکرده است خدای عزوجل را و شامل است او را نهی الهی خداوند عزوجل میفرماید نیاندازید خودتانرا بهلاکت فی البحار - عن موسى ابن جعفر عليه السلام قال لشيعته يا معشر الشيعة لا تذلو ارقابكم بترك طاعة سلطانكم فان كان عادلا فاسئلو الله ابقاءه و ان كان جابراً فاسئلو الله اصلاحه فان صلاحكم في صلاح سلطانكم و ان السلطان اعادل بمنزلة الوالد الرحيم فاحبوا له ما تحبون لانفسكم و اكرهوا له ما تكرهون لا نفسكم ترجمه موسی ابن جعفر میفرماید اے گروه شیعه ذایل نکنید خودتانرا به ترك اطاعت سلطان پس اگر عادل است سئوال کنید از خدا ابقاء او را و اگر جابر است سئوال کنید از خدا اصلاح او را چون صلاح شما در صلاح سلطان است سلطان عادل بمنزله پدری است مهربان پس دوست داشته باشید برای او آنچه را دوست دارید برای خودتان بد بدانید برای او آنچه را بد میدانید برای خودتان

## اهمیت عطر

فی الوسائل - قال رسول الله صلى الله عليه وآله الريح الطيبة تشد القلب و تزيد فى الجماع ترجمه رسول اکرم ص میفرماید بوی خوش محکم میکند قلب را و زیاد میکند جماعرا فی الوسائل - قال امیر المؤمنین علیه السلام الطیب فى الشارب من اخلاق النیین و کراهة للکاتبین ترجمه علی ء میفرماید شارب معطر نمودن از اخلاق پیغمبران است و تکریم است برای ملکهای نویسنده فی الوسائل عن ابی عبد الله علیه السلام قال کان رسول الله ص ینفق فى الطیب اکثر مما ینفق فى الطعام ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ء میفرماید رسول اکرم ص اتفاق میکرد در عطریش از آنچه اتفاق میکرد در طعام فی الوسائل قال ء ما انفقت فى الطیب فلیس بسرف ترجمه معصوم ء میفرماید هر چه اتفاق بشود در عطر اسراف نیست فی الوسائل - عن ابی الحسن ء قال لا ینبغى للرجل ان یدع الطیب فى کل یوم ترجمه معصوم ء میفرماید سزاوار است بر اے مرد اینکه خوش بو کند خود را همه روز فی الوسائل عن ابی الحسن الرضا قال الطیب من اخلاق الانبیاء ترجمه علی بن موسی ء میفرماید بوی خوش از اخلاق پیغمبرانست فی الوسائل قال الراوی سألته عن الرجل یرد الطیب قال لا ینبغى له ان یرد الکراهة ترجمه راوی میگوید سؤال کردم معصوم علیه السلام را از مردیکه رد میکند بوے خوش را فرمود سزاوار نیست از بر اے او اینکه رد کند تکریم و احتراماترا فی الوسائل عن ابی عبد الله علیه السلام قال ان رسول الله ص کان یتطیب بالمسک حتی یری ویبسه فى مفارقه ترجمه جعفر بن محمد الصادق ء میفرماید رسول خدا ص خوش بو مینمود خود را بمسک تا دیده میشد بر قهای مشک در فرق سرش - ضعف خون قلب را ضعیف نموده رنگ پریده میشود اختلال در دماغ و در اعمال هاضمه ایجاد شده عمل تنفس ضعیف حرکات قلب کم میشود بدن انسان

مقاومت خود را از دست داده مغلوب محیط خارجی میشود بالنتیجه بی میلی بغذا و بجماع دست میدهد مکررهای موزبه که همیشه حمله ور باعضاء ضعیفه و اشخاص بی بنیه میباشند کاملاً در بدن انسان رشد مینماید بعلاوه قدرة ادویه طبی در بدن فاسد و بلا اثر میماند پس قسمت مهم سلامت انسان به نصفیه خون و بتقویت قلب منوط و مربوط است استعمال عطریات و استنشام بوی خوش خون را قوی و قلب را تقویت میکند و قوه اعمال کلیه اعضاء بدن را کاملاً ایجاد نموده از این جهت است که فرمود بوی خوش محکم میکند قلب را و زیاد میکند جماعرا بعلاوه استعمال بوش خوش عقل را تقویت فکر را زیاد دل را مسرور و میسازد هوا را معطر و بوهائے بد را برطرف میکند

### اسلام به شانه و تنظیف هو اہمت داده

فی الوسائل - قال رسول الله ص من اتخذ شعراً فلیحسن و لایته او لیجزه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید کسیکه مو گذاشت نیکو نگه دارے کند از او یالینکه قطع کند اورا فی الوسائل - قال النبی ص کثرة تسریح الرأس ینذهب بالوباء ویجلب الرزق ویزید فی الجماع ترجمه نبی اکرم ص فرمود سر را بسیار شانه نمودن میبرد و بارها و جلب میکند رزق را و زیاد میکند جماعرا فی الوسائل قال رسول الله ص الشعر الحسن من کسوة الله فا کرهوه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید موی خوب از پوشش های خداست پس اکرام کنید اورا فی الوسائل قال کثرة المشط یقلل البلغم ترجمه معصوم میفرماید زیاد شانه نمودن کم میکند بلغم را فی الوسائل قال الصادق ع مشط الرأس ینذهب بالوباء و مشط اللحية یشد الاضراس ترجمه حضرت صادق ع میفرماید شانه نمودن سر میبرد و بارها شانه نمودن ریش محکم میکند دندانها را فی الوسائل - قال الصادق ع المشط ینذهب بالوباء و هو الحمی ترجمه صادق آل محمد ع میفرماید شانه کردن میبرد و بارها و اوست تب فی الوسائل قال موسی بن جعفر ع تمشطوا بالعاج فانه ینذهب بالوباء - ترجمه

موسی ابن جعفر؛ میفرماید شاه کنید باستخوان فیل میبرد و با را فی الوسائل  
قال ابو عبد الله؛ تسريح العارضين يشد الاضراس و تسريح اللحية يذهب بالوباء  
و تسريح الذواتين يذهب ببلابل الصدر و تسريح الحاجبين امان من الجذام و  
تسريح الراس يقطع البلغم ترجمه حضرت صادق؛ میفرماید شانه کردن عارض  
میحکم میکند دندانرا شانه کردن ریش میبرد و با را شانه کردن شقه موی جلوی  
سر میبرد حزنهای سینه را شانه کردن ابرو امان است از جذام شانه کردن سر  
قطع میکند باغمرا - موعظ سطح بدنرا احاطه نموده در بعضی نقاط غیر مرئی  
و در اغلب مرئی میباشد تمام آنها مجوف کمک به تنفس مینماید بواسطه خالی و  
فرج آنها مقدارے از بخارات سمیه و مواد مضره را از بدن دفع نموده باعث  
تصفیه خون میگردد نتیجه آن جماعرا زیاد و باغمرا کم میکند مشروط باینکه  
موها نظیف و پاکیزه بوده کثافت نوك آنها را مسدود نکرده باشد مخصوصاً  
محاسن و موی سر بملاحظه مجاورت بهوا زودتر کشیف و بیشتر مورد حملات  
مواد کشیفه هوا میشود لذا شانه و شست و شو کردن آنها لازم و قسمت  
مهمی از امراض جلدی مثل کچلی که در سر اطفال تولید میشود راجع به  
مواد کشیفه است که در سطح بشرة مجتمع و واسطه شانه و شست و شو نکردن  
نتیجه کچلی را میدهد و مقصود از نیکی در این تولیت و اکرام مو که در خبر  
فرمود شانه و شست و شو نمودن موها است و جلوگیری است از کثافات و امروز  
هم قسمت مهمی از حفظ الصحه را به نظیف مو میداند

## نتیجه تشکر و کفران

فی البحار - من کلام الصادق؛ اشکر من انعم علیک وانعم علی من شکرک  
فانه لا ازالة للنعم اذا شکرت ولا اقامة لها اذا کفرت والشکر زیادة فی النعم  
وامان من الفقر ترجمه صادق آل محمد؛ میفرماید تشکر کن کسیرا که انعام

میکند تیرا و انعام کن کسی را که شکر میکند تورا نیست زوال نعمت اگر  
تیشکر کردی نیست بقائی برای نعمت اگر کفران کردی تشر زیاد میکند  
نعمت را و ایمنی است از فقر

## علامت منافق و امین

فی البحار - من کلام الصادق ؛ ثلث من کن فیه فهو منافق و ان صام  
وصلی من اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف و اذا اکتمن خان احذر من  
الناس ثلثة الخائن و الظلوم و النمام لانه من خان لك خانك و من ظلم  
لك سیظلّمك و من نم اليك سینم عليك لایكون الامین امیناً حتی یؤمن علی  
ثلثة فیؤدیها علی الاعوال و الاولاد و الفروج و ان حفظ استین و ضیع واحدة  
فلیس بامین ترجمه صادق آل محمد ؛ میفرماید سه صفت در هر کس باشد  
منافق است او اگر چه روزه بگیرد و نماز بخواند آدم دروغگو و مخالفت  
کننده بوعده خیانت کار در امانت دوری کن از سه ظایفه خائن و ظلوم و  
نمام بعات اینکه کسیکه خیانت میکند برای نفع تو خیانت میکند تورا کسی  
که ظلم میکند به نفع تو ظلم خواهد کرد تو را کسیکه تمامی کند برای  
تو تمامی خواهد کرد از تو نمیشاند انسان امین تا امانت گذاشته شود نزد او سه  
چیز ورد کند آنها را برمال و اولاد و فروج و اگر محافظت کرد دوتای آنها را  
و خیانت کرد به یکی پس نیست او امین

اخبار از ترکیب هوا و اسید کربونیک

فی الوسائل - عن علی ؛ قال لایتقل المؤمن فی القبلة فان فعل  
ناسیاً یتغفر الله لایفخ الرجل فی موضوع سجوده و لایفخ فی طعامه  
و لافی شرابه و لا فی تعویذه ترجمه علی علیه السلام میفرماید آدم با ایمان  
نیندازد آب دهن را بسمت قبله پس اگر کرد اینکار را نسیماً استغفار کند

خدا را ندمد کسی در مکانی که سجده میکند ندمد در چیزهای خوراکی و آشامیدنی و نه در تعویذش فی الوسائل - عن الصادق ع، ابائه عن النبی ص فی حدیث المناهی قال ونهی ان ینفخ فی طعام او شراب و ان ینفخ فی موضع السجود - ترجمه حضرت صادق ؛ روایت میکند از پدرانش که بیغمبرص نهی فرمود از اینکه دمیده شود به ماکولات و مشروبات و نهی فرمود از دمیدن در موضع سجده فی الوسائل - قال ابو عبدالله؛ یکره النفخ فی الرقی و الطعام و موضع السجود - ترجمه صادق آل محمد ؛ میفرماید مذموم است دمیدن در رقیه ها و طعام و موضع سجده - کشفیات امروزه مرکب بودن هوائی را که انسان تنفس میکند بما ثابت نموده کیفیت دخول و خروج هوا و احتراق آن در باطن انسان و خروج بخار و گاز سمی در حال زفیر همه مفصلاً مشروح است بنحو اجمال انسان در حال تنفس دارای سه شهبق و زفیر است که هوا را داخل و خارج میکند در حال شهبق که هوا داخل در جوف و ریه شد از تمام معبر های خود سیر نموده هوای مرکب از اکسیژن و ازت محترق و از او بخار و گاز سمی که موسوم است باسید کربونیک تولید شده که در حال زفیر او را خارج مینماید بعبارة اخری تنفس عبارتست از اخذ اکسیژن هوا و دفع اسید کربونیک بقا بر این قاعده نفخه و نفس آدمی بملاحظه سمییتی که در او است مصادف با بعضی چیزها که بشود او را مسموم نموده و از طبیعت اولیه اش خارج مینماید این است که شارع مقدس نفخه بطعام و شراب را جداً منع فرموده در این صورت دمیدن بآب و طعام و قند و نبات خارج است از حفظ الصحه و خوردن آنها باعث مسموم شدن خون و تولید امراض معده و جوفی میشود این بیان بانبودنالات علمی و صنعتی در آن زمان حکمت و نبوت آن وجود محترم را نمایش می دهد فضائل و مقامات ائمه معصومین را ثابت مینماید و از علماء اهل صنعت و

کاشفین حقائق تشکر مینمائیم اما مسئله نهی از نفخه در موضع سجود آنچه بنظر میرسد نظریات شارع مقدس از چند لحاظ بوده یکی بملاحظه عدم صعود غبار زمین که تنفس همچو هوایی را برای بشر مضر میدانسته انشاءالله در باب خودش بیان خواهیم نمود که بشر را چقدر به تنفس هوا صاف و خالی از کثافت امر فرموده چون در زمان شارع مقدس و هکذا زمان ائمه اطهار مهر نماز معمول نبوده زمین را سجده گاه خود قرار میدادند یا مقداری ریگهای ریز در سجده میگذاشتند و نماز میخواندند اینست که نفخه در موضع سجده را جداً نهی فرمود مخصوصاً در مجامع عمومی این عمل هوا را کثیف نموده تنفس او مضر بجامعه خواهد بود دیگر آنکه این بخار و گاز سمی که موسوم است باسید کربونیک بملاحظه نفخه در هر موضعی بفریت تولید موادی میکند که همه کس دیده و میداند مثل رطوبت و عرق دور نیست این مواد سمی که در موضع سجده تولید میشود بملاحظه خلل و فرج موها و اتصال پیشانی بآن موضع نفوذ در پیشانی نموده ایجاد بعضی ضررها در دماغ و سر بنماید مسئله نهی از نفخه در رقی و تعویذ مراد از ایندو کلمه ورقه ایست از دعا که بمریض و مجنون می بندند جهت حفظ و حراست و شفاء آنها که آنورقه دعا را تعویذ یا عوده یا رقیه مینامند و بواسطه نفخه بآنها ممکن است بخار سمی که در جوف مجتمع و حبس میشود تکوین میکروبهای نموده که جهت مجنون و مریض مضر و منشاء بعضی مرضها بشود لهذا دمیدن بآن ورقه را نهی فرمودند و چون در لغت برای تعویذ معنی دیگری هم ضبط نمودند که آن پناه دادن کسی است دیگر را بخدا به سبب ورد یا دعا مثلاً اگر بگوئی عوذ زید عمرو یعنی زید برای حفظ عمرو ورد یا دعائی خواند و از خدا طلب حفظ او نمود لهذا محتمل است مراد از خبر اخیر نهی از دمیدن در حال ورد یا دعا بوده چون

موقع ورد و خواندن دعا برای مریض و مجنون و دمیدن بآنها باعث ایصال بخار و گاز سمی شده و اسباب بطو مرض و مزید علت خواهد گردید لهذا تقیحه را در این موقع نهی فرموده اند پس در استشفاء بسوره مبارکه حمد جهت مرضی در صورت بودن همچو خبری فقط قرائت حمد است و بس از این خبر مهم بودن تنفس هوای صاف و خالی از کثافت برای مریض استفاده میشود

## ورزش ریه و جریان دم

فی الوسائل - قال ابو جعفر ، اذا اذنت فافصح بالالف و الهاء ترجمه محمد بن علی الباقر؛ میفرماید هر وقت اذان میگوئی بافصاحت بگو الف و هاء در اذان را فی الوسائل - عن ابی جعفر؛ قال لایجزئک من الاذان الا ما اسمعت نفسک اوفهمته وکلما اشدت صوتک من غیران تجهد نفسک کان من یسمع اکثر وکان اجرک فی ذلك اعظم ترجمه محمد بن علی الباقر؛ میفرماید کمترین مرتبه از اذان که کفایت کند ترا این است که خودت بشنوی و بفهمی او را لیکن هر چه بلند و شدید شود صوت که صدمه و زحمت بتوارد نکند بیشتر میشوند شنوندگان و عظیم تر میشود اجرت فی الوسائل - عن ابی عبدالله؛ قال اذا اذنت فلا تخفین صوتک فان الله یاجرک مد صوتک فیه ترجمه جعفر بن محمد الصادق؛ میفرماید هر وقت اذان میگوئی مخفی و آهسته مکن صوتت را خداوند مزد میدهد بتو باندازه کشش آوازت فی الوسائل - شکا رجل الی ابی الحسن الرضا سقمه وانه لایولد له ولد فامرہ ان یرفع صوته بالاذان فی منزله قال فعلت فاذهب الله عنی سقمی وکثر ولدی ترجمه عرض کرد شخصی خدمت حضرت رضا؛ از مرض و از نشدن اولاد پس فرمود در منزلت اذان بگو باواز بلند میگوید کردم این کار را برد خدا مرضم را و

بسیار مدد اولاد - یکی از اصول مهمه زندگانی بشر که امروزه در دنیا معمول و اورا اساس صحت و سلامت میدانند ورزش و دوران دادن دم است در بدن مخصوصاً علماء حفظ الصحه در این خصوص ترغیباً کتب بسیار تالیف فرمودند در کلیه قوانین اسلامیه هم علاوه بر اینکه مقصود تکمیل عقل و رسانیدن بشر است بسعادت ابدیه میتوان گفت یکی از مقاصد مهمه نیز امر طبیعی و مادے بوده حفظ و سلامت بشر را منظور داشته هیچ نحو مخالف با حفظ الصحه قانونی وضع نشده این است که عمل بآن قوانین آورنده صحت و تربیت کنندنده مزاج خواهد بود در خبر شریف که دستور میدهد به شخص مریض بلند گرفتن اذان آنچه را که بنظر میرسد علاوه بر عنوان عبودیت و ورزش ربه و جریان دادن دم است در کارخانه بدن که اورا باین قانون و حفظ الصحه دعوت فرموده نه همان تنها تحریک بدن و عضلات مری بدن است و ورزش جریان دهنده خون است بلکه نطق و آواز قوه و فشارے است در بدن خونی را که شراشر جسد را پر کرده و در مجری و معبر خود در گردش است به نحو طبیعت و مناسب حال هر عضوی به جریان می آورد نطق است که غذا را بهاضمه و اشتها را زیاد میکند دل درد سوء هاضمه و مرضهای مهمه را بر طرف میکند سینه را اصلاح و بدنرا گرم میکند این است که از بدن در حال نطق عرق خارج میشود نطق است که مملکت بدنرا تعدیل و تنظیم میدهد لولایق اعتدال مزاج رو به اختلال و این کار خانه فاسد و از بین خواهد رفت و گلبولهای آیرا که خداوند متعال در جزئی از خون خلق فرموده که کار او مجاربه و کشتن مکروبهای وارده در خون است ضعیف و بالاخره معدوم شده این است که انسان تلف خواهد شد پس اساس زندگانی بشر به نطق است مخصوصاً ریتین را دو حالت است حالت انقباض و حالت انبساط حالت انبساط آدمرا سالم میدارد ضیق نفس را میرد حالت انبساط است که انسان

سه ساعت تکلم میکند بهترین وسیله برای ازدیاد انبساط ورزش ریه و تکلم است پس اذان بلند مطابق است با حفظ الصبحه دفع مرض میکند کارخانه بدن را به نظام طبیعی بیرون می آورد عضو از کار افتاده را که مربوط است به تکوین ولد اصلاح و به طبیعت اولیه اش عودت میدهد و دستور در خبیر به فعیج گفتن الف و هاء نیز مطابق است با حفظ الصبحه چون فصاحت آندو حرف سبب حرکت ناف و شکم است که مخرج است برای آن دو حرف باعث سرعت هضم و وارد ساختن غذا است در معده پس بنحو کلی اذان علاوه بر شعائر اسلام و اعلان حضور در مساجد و مجامع عمومی جریان دهنده خون و سالم کننده بدن و مطابق است با حفظ الصبحه

## علت کراهة اکل کلمتین

فی الوسائل - عن موسی ابن جعفر، عن ابائه، قال کان رسول اللہ ص لا یأکل الکلمتین من غیر ان یحرهما لقریبهما من البول ترجمه موسی بن جعفر، از پدرانش همچو روایت میکنند که رسول خدا ص میل نمی فرمود کلبه را بواسطه قرب آنها ببول لکن حرام نکرد آنها را - علمائیکه اطلاع کامل از تشریح جسد انسان دارند بخوبی درک این نکته را خواهند نمود و اگر مطلع بتاریخ این نطق بشوند که در چه زمانی تحقیق شده که ابداً قواعد تشریحی در بین نبوده محققاً موجب حیرت و عجب آنها خواهد شد آنچه که محقق شده در خلقت انسان و حیوان دو کلمه یکی بطرف راست دیگری بطرف چپ خداوند متعال خلق فرموده در زیر آن کبسه که او را مثانه گویند قرار داده و دو روده مجوف از جوف کلبه چه از راست و چه از چپ بسمت مثانه کشیده شده مثل دوظرفیکه دولوله مجوف بآن متصل و منتهی شود بطرف دیگری که جهة عرق گیرے مایعات اختراع

شده عمل کلبیتین بعینه همین عمل است تجزیه نمودن بعضی از مواد کشفه وارده در میده است که بتوسط آن لوله ها تحویل مثانه میدهد و بول خالص را در او مجتمع مینماید بعبارة اخرے خداوند متعال دو کلبیتین را کارخانه بول سازی قرار داده همیشه این کارخانه در گردش و بول را در مثانه وارد می نماید پس اجتناب رسول اکرم ص از کلبیتین که در ذیل خبر علت آن باین صورت بیان شده لقر بهما من البول نظر بهمین قواعد نشریحی است

### اخبار از اسید کربونیک و مکروب

فی الوسائل قال رسول الله ص لا یطولن احدکم شاربہ فان الشیطان یتخذہ مخبئاً یستتر فیہ ترجمه رسول اکرم ص میفرماید طولانی نشود البته شاربهای شما شیطان اتخاذ می کند او را مسکن و مخفی می شود در او فی الوسائل - قال الراوی سئلت ابا الحسن ؑ عن قص الشارب امن السنة قال نعم ترجمه راوی میگوید سئوال کردم از معصوم ؑ ایازدن شارب قانون است فرمود بله فی الوسائل - انه رأى ابا عبد الله ؑ احفى شاربہ حتى الصقه بالعسب ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ؑ شارب را باندازه زده بود که رسانیده بود او را بریشه و محل روئیدن مو فی البحار - قال الصادق ؑ اخذ الشارب من الجمعة الى الجمعة امان من الجذام ترجمه حضرت صادق ؑ میفرماید گرفتن شارب در هر جمعه امان است از جذام فی البحار - قال الصادق ؑ من لم یؤخذ شاربہ فلیس منا ترجمه حضرت صادق ؑ میفرماید کسی که نکیرد شارب را نیست از ما فی البحار - انه رأى ابا عبد الله ؑ احفى شاربہ حتى التزمه العیب ترجمه شخصی دید حضرت صادق ؑ را که بانها رسانیده بود شارب را که لازمه او بود عیب گوئی مردم - انسان همانطوریکه از دهن تنفس میکند و هو را داخل و خارج میکند همین طور از منخرن این عمل جارے هوا را داخل و خارج می نماید در حال

خروج اسید کربونیک که گازه است سمی از منخرین بیرون آمده و به لب بالا که مقابل او است رسیده بملاحظه بلندے مو و ثارب بخارات سمیه حال تنفس بانضمام ذرات و کثافات هوا در خلال موها مجتمع شده تولید مکرهائی می نماید قوه جذابه حال تهیق آنها را بجوف رسانیده پس از تهر کن ممکن است تولید مرض و حمق و جنون بنماید علاوه بر این طول ثارب اگر بعدی برسد که در دهن داخل شود البته موقع خوردن غذا و آشامیدن آب آن مواد کشیفه مخلوط با آنها شده وارد معده میشوند معلوم است همچو غذائی مضر مسموم کننده خون و صدمه زنده انسان است پس بنا بر این تخفیف ثارب و ازاله آن قانونی است راجح و مطابق است با حفظ الصحه و بلندی آن مذموم و مخالف است با حفظ الصحه فی الوسائل - قال الراوی ذکرنا الاخذ من الشارب فقال نشرة وهو من السنة ترجمه راوی میگوید خدمت حضرت؛ مذاکره گرفتن ثارب شد فرمود گرفتن ثارب نشرة است و او است از قانون - معنائیکه در لغت برای نشرة ضبط نموده اند که مناسب دارد با این موضوع یکی نشرة بفتح که نسیمی است خوش و پاکیزه دیگرے نشرة بضم که رقیه ایست که توسط آن علاج مجنون و مریض میکنند علی ای حال هر کدام باشد قابل توجه و مطابق است با حفظ الصحه بنا بر معنی اول هم چه معلوم میشود که بخارات خارجه از منخرین علاوه بر تکوین مواد مکرهوی تولید عفونت و راحه کربیه در موها خواهد نمود و در ازاله مودفم آن عفونت و انسان تنفس نسیم خوش خواهد کرد این است که باین عبارت تعبیر و فرمود زدن ثارب نشرة است بنا بر معنی دوم همچو معلوم میشود کما اینکه توسط رقیه و نشرة علاج مجنون و مریض میکنند همین طور ازاله موی ثارب دفع جنون و مرض خواهد کرد و نتیجه او را خواهد داد این است که فرمود زدن ثارب نشرة است اشاره ایست مایح و نکته ایست مهم

تبصرة بطور کلی چون کثافت و مواد مکروبی در هر کجا که تولید و تکوین گردید بحسب سنخیت منشاء غلبه شیطان و احاطه او میگردد لهذا در این رقم اخبار که در موارد کثیفه ذکر شیطان شده فرقی نیست بین این که گفته شود لفظ شیطان مشعر است بمواد مکروبی یا اینکه گفته شود مراد شیطانی است مفعول

اسلام ضد است با تبلی - ترغیب در تجارت و زراعت  
 فی الوسائل - قال رسول الله ء ملعون من القی کله علی الناس  
 ترجمه رسول اکرم ص میفرماید ملعون است کسیکه کل بشود بر غیر و از قبل او رزوی خورد  
 فی الوسائل - قال امیر المؤمنین ء ان الاشیء اما ازدوجت ازدوج الکسل و العجز فتتجا بینهما الفقر ترجمه علی عایه السلام میفرماید چون تمام اشیاء جفت گیرے شدند جفت گیری شدند کسالت و عجز زائیده شد از آنها فقر فی الوسائل - عن ابی جعفر ء قال انی لا بغض الرجل ان یکون کسلاناً عن امر دنیا و من کسل عن امر دنیا فهو عن امر آخرته اکسل ترجمه محمد بن علی الباقر ء میفرماید دشمن دارم کسی را که کسل باشد در امر دنیوی کسیکه کسل است در امر دنیوی پس او کسل ترست در امر آخرتش فی الوسائل - عن ابی عبدالله ء قال عدو العمل الکسل ترجمه حضرت صادق ء میفرماید کسالت دشمن عمل است فی الوسائل عن ابی الحسن موسی ء قال قال ابی لعض ولده ایاک و الکسل والضجر فانهما یمنعانک من حظک من الدنیا و الاخرة ترجمه موسی بن جعفر ء میفرماید پدرم فرمود به بعض فرزندانش دور کن از خودت کسالت و تبلی را چون مانعند تورا از رسیدن به حظهای دنیوی و اخروی فی الوسائل - عن ابی عبدالله ء قال لا تکسلوا فی طلب معاشکم فان ابائنا كانوا یرکضون فیها و یطلبونها ترجمه صادق آل محمد ء میفرماید کسل نباشید در طلب معاش پدران ما حرکت میکردند با سرعت در تحصیل معاش و طلب میکردند او را فی الوسائل - قال

رجل رأی ابو عبدالله و قد تاخرت عن السوق فقال اغدالی غرك ترجمه  
 راوے میگوید ملاقات کرد مرا جعفر بن محمد الصادق؛ در حالیکه دیر شده  
 بود بازارم فرمود صبح زود قرار بده رفتن بازار را فی الوسائل - قال  
 ابو عبدالله؛ لمولی له یا عبدالله احفظ غرك قال وما غری جعلت فدائك قال  
 غدوك الی سوقك و اکرامك نفسك وقال لآخر مولی له مالی اراك تركت  
 غدوك الی غرك قال جنازة اردت ان احضرها قال؛ فلاندع الرواح الی غرك  
 ترجمه جعفر بن محمد صادق؛ فرمود به یکی از شرکاء خود اے بنده خدا  
 مواظب باش بر غرت عرض میکنند چه چیز است غرمن فدایم نوشوم فرمود  
 صبح زود رفتن بازار و اکرام نمودن نفس باز فرمود به بکنفر دیگر از شرکاء  
 چه چیز است که ترک کردی امروز رفتن بازار را در صبح عرض کرد  
 حاضر شدم جنازه را فرمود پس حاضر شو بازار را از ظهر - فی الوسائل -  
 قال امیر المؤمنین؛ للموالی اتجروا بآرک الله لکم فانی سمعت رسول الله ص  
 یقول الرزق عشرة اجزاء تسعة اجزاء فی التجارة و واحد فی غیرها  
 ترجمه علی علیه السلام میفرماید تجارت بکنید خدا بרכת بدهد بشما شنیدم رسول  
 خدا ص فرمود روزی ده جزء است نه جزء آن در تجارت است یک جزء آن  
 در غیر تجارت فی الوسائل - عن ابی عبدالله؛ قال التجارة تزيد فی العقل  
 ترجمه صادق آل محمد؛ میفرماید تجارت زیاد می کند عقل را فی الوسائل  
 قال الراوی سمعت ابا عبدالله؛ یقول ایعجز احدکم ان یکون مثل النملة  
 فان النملة تجرالی حجرها ترجمه راوی میگوید شنیدم معصوم علیه السلام فرمود  
 آیا عاجز هستید اینکه بائید مثل مور میکشاند موردانه را بسمت سوراخش  
 فی الوسائل قال ابو عبدالله علیه السلام ارأیت لوان رجل ادخل بیته واغلق  
 بابه اکان یسقط علیه شئی من السماء ترجمه صادق آل محمد ص میفرماید آید آید  
 اگر کسی بماند در منزل و به بند در برابر سد رزق او از آسمان فی الوسائل

عن ابي عبد الله؛ قال نعم العون الدنيا على الآخرة ترجمه معصوم؛ ميفرمايد دنيا خوب معاونى است از براى آخرت فى الوسائل - قال؛ ليس ضامن ترك دنياه لآخرته ولا آخرته لدنياه ترجمه معصوم؛ ميفرمايد نيست از ما كسى كه ترك دنيا كند بجهت آخرت يا ترك آخرة كند بجهت دنيا فى الوسائل -

روى عن العالم؛ انه قال اعمل لدنياك كأنك تعيش ابداً و اعمل لآخرتك كأنك تموت غدا ترجمه موسى بن جعفر؛ مى فرمايد كار كن براى دنيا مثل اينكه زنده هستى هميشه كار كن براى آخرت مثل اينكه ميميرى فردا

فى الوسائل - عن امير المؤمنين عليه السلام قال اوحى الله الى داود؛ انك نعم العبد لولا انك تاكل من بيت المال ولا تعمل بيدك شيئاً قال؛ فبكى داود؛ اربعين صباحاً فاوحى الله الى الحديد ان لن لعبدى داود؛ فالان الله عزوجل له الحديد فكان يعمل فى كل يوم درعاً فبيعها بالف درهم فعمل ثلثمائة و ستين درعاً فباعها بثمائة و ستين الفاً و استغنى عن بيت المال ترجمه على عليه السلام ميفرمايد وحى كرد خداوند متعال بدادو ديمبر كه خوب بنده هستى ليكن ميخورى از بيت المال و نميكنى پيازوى خودت كارى را پس گريه كرد داود؛ چهل روز و ناليد بخدا پس نرم كرد آهن را براى او و ميساخت روزى يك زره و ميفروخت بهزار درهم و ساخت سيصد و شصت زره و فروخت سيصد و شصت هزار درهم و مستغنى شد از خوردن بيت المال

فى الوسائل - قال سمعت ابا عبد الله؛ يقول لاخير فيمن لا يحب جمع المال من حلال يكف به وجهه و يقضى به دينه و يصل به رحمه ترجمه راوى ميگويد شنيدم حضرت صادق؛ فرمود نيست خيبرى در كسيكه دوست ندارد جمع مال را از حلال كه بواسطه او حفظ آبرو و اداء قرض و وصل كند رحم را فى الوسائل - قال رجل لابي عبد الله؛ و الله اننا نطلب الدنيا و نحب ان نؤتاها فقتل؛ تحب ان تصنع بهام اذا قال اعود بها على نفسى و عيالى و اصل بها و اتصدق بها و احج و اعتمر فقال ابو عبد الله؛ ليس هذا طلب الدنيا هذا طلب الآخرة

ترجمه شخصی به حضرت صادق؛ عرض می کنند والله ما طلب می کنیم دنیا را و دوست داریم که برسیم دنیا فرمود دوست داری که چه کار بکنی دنیا عرض کرد اداره کنم بواسطه او خودم و اهل مرا صاه رخه و انفاق و حج و عمره بجای بیارم فرمود نیستند اینها طلب دنیا آنها طلب آخرت است

فی الوسائل - قال سمعت ابا عبد الله؛ يقول انى لا عمل فى بعض ضياعى حتى اعرق و ان لى من يكفينى ليعلم الله عزوجل انى اطلب الرزق الحلال

ترجمه راوی میگوید شنیدم حضرت صادق فرمود کار می کنیم در بعض املاکم تا اینکه عرق می کنیم با اینکه از راهی من است کارگر که معاونت کنند مرا برای اینکه بداند خدای عزوجل که من طلب میکنم رزق حلال را فى الوسائل - قال دخلنا على ابي عبد الله؛ فى حايط له فقلنا له جعلنا الله فداك دعنا نعمله لك او تعلمه العلمان قال؛ لادعوني فانى اشتهى ان يرانى الله عز وجل اعلم بيدى واطلب الحلال فى اذى نفسى ترجمه راوی میگوید وارد شدیم بر حضرت صادق؛ در حالیکه مشغول بود به تعمیر دیوار عرض کردیم فدای تو شویم بگذار که کار کنیم از برای تو یا کار بکنند غلامان فرمود بگذارید مرا مایلم که به بند خدای عزوجل کار میکنم بدستم و طلب میکنم رزق حلال را با بودن زحمت فى الوافى - قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول ان الله عزوجل اختار للانبياء الحرث والزرع كيلا يكرهوا شيئا من قطر السماء

ترجمه راوی میگوید شنیدم حضرت صادق؛ فرمود خداوند عزوجل اختیار کرد برای انبیاء حرث و زراعت را برای اینکه کراهت نداشته باشند باران را فى الوافى - قال ابو عبد الله؛ ان الله جعل ارزاق الانبياء فى الزرع والضرع كيلا يكرهوا شيئا من قطر السماء ترجمه حضرت صادق؛ می فرماید خداوند قرار داد ارزاق انبیاء را در زرع و در شیربستان برای اینکه کراهت نداشته باشند باران را فى الوافى - قال ابو عبد الله؛ الكيمياء الاكبر الزراعة

ترجمہ حضرت صادقؑ می فرماید کیمیائے اکبر زراعت است فی الوافی - قال سمعت ابا عبد الله؛ يقول الزارعون كنوز الانام يزرعون طيباً اخرجه الله وهم يوم القيمة احسن الناس مقاماً واقربهم منزلة يدعون المباركين ترجمہ راوی میگوید شنیدم جعفر ابن محمد الصادقؑ فرمود زراعت کنندگان گنجہائے مردمند زراعت می کنند با کیزہ خارج میکند او را خدا آنها در روز قیامت نیکوترین مردمند از چہ مقام و نزدیکترین مردمند از چہ منزلت خوانندہ میشوند مبارکین فی الوافی - قال سألت جعفر بن محمد عن الفلاحین قال هم الزارعون كنوز الله فی ارضه و ما فی الاعمال شیء احب الی الله من الزراعة و ما بعث الله نبیاً الا زراعاً الا ادریس علیہ السلام فانه كان خیاطاً ترجمہ راوی میگوید سؤال کردم حضرت صادقؑ را از شغل فلاحین فرمود آنها زراعت کنندگانند گنجہائے الہی را در زمین خدا نیست در کارها علمی محبوب تر نزد خدا از زراعت مبعوث نکرد خدا بجز میرا مگر زارع مگر ادریس علیہ السلام کہ عمل او بود خیاطت فی الوسائل - قال رأیت ابا الحسنؑ يعمل فی ارض له قد استتعت قدما فی العرق فقلت جعلت فداک ابن الرجال فقال یا علی قد علی بالید من هو خیر منی وعن ابی فی ارضه فقلت وعن هو فقال رسول الله ص و امیر المؤمنینؑ و ابائی کلہم كانوا قد عملوا بایدیہم و هو من عمل النبیین والمرسلین والاصیاء والصالحین ترجمہ راوی میگوید دیدم ابا الحسنؑ را در زمینی و کار می کرد در او در حالیکہ قدمہای او پر بود از عرق گفتم فدائے تو شوم کجا هستند کارگرا فرمود کار کردند بازوی خود کسایکہ بہتر بودند از من و از پدرم عرض کردم چہ کسانی بودند آنها فرمود در رسول خدا ص و امیر المؤمنینؑ و پدران من تمام آنها بازوئے خود کار میکردند و او است عمل تمام انبیاء و مرسلین و اصیاء و مردمان نیک فی الوسائل - قال رأیت ابا عبد اللهؑ ویدہ مسحاً وعلیہ از ارغلیظ يعمل فی حیاط له و العرق یتصاب

عن ظهره فقلت جعلت فداك اعطني اكيفك فقال لي اني احب ان يتاذي  
الرجل بحر الشمس في طلب الهميشة ترجمه راوے ميگويدهم صادق آل  
محمد ء را بدست او بود بيل و پوشيده بود شلواری ضخيم در حالیکه ميریخت  
عرق از پشتش عرض کردم فدای تو شوم بده معاونت کنم نو را فرمود  
دوست دارم اذیت بکشد مرد از حرارت آفتاب در تحصیل معاش فی الوسائل -

عن ابی عبداللہ ؑ قال ان امیر المؤمنین ؑ کان یخرج ومعہ احمال النوی فیقال له  
یا ابا الحسن ؑ ما هذا معک فیقول نخل انشاء اللہ فیغرسه فما یغادر منه واحده  
ترجمه صادق آل محمد ؑ میفرماید علی علیه السلام می رفت بصحرا و با او بود  
بسته های هسته خرما میگفتند باو چه چیز است اینها یا ابا الحسن می فرمود  
درخت خرما است اگر بخواید خدا پس غرس میکرد هسته ها را و فرو  
گذار نمی کرد دانه را \* چون خداوند متعال مدار این عالم را با سبب و وسائط  
قرار داده و اکثر کارها و مهمات را بسببها مربوط نموده اگر چه قدرت آن  
بی سبب مهم تواند ساخت لیکن حکمت اقتضا کرده اینستکه یافتن ثواب آخرت  
و رسیدن به منازل کرامت را متوقف به تحصیل مال نموده به برکت مال است  
که اکثر مطالب بدست آید فرمود خوب معاونی است دنیا برائے آخرت  
نیست از ما کسیکه ترک دنیا کند بجهت آخرت آدم تنبل و بیکار را از آخرت  
محروم نموده و عده آتش باو داده تمام انبیاء و مریدان بشر این معنی را اعلام  
و با بهترین بیان و مثل کوش زد کردند میگویند مثل مور باش بی زحمت بی  
دست و پا دانه بسوراخ نرود یعنی جدیت کن کاهل نباش قصه داود نبی را  
دقت کن عرق ریزیهای مریدان بشر را فکر کن بیل زدنهای رسول اکرم و  
ائمہ معصومین را نامل کن اسلام به هیچ نحو بشر را به کاهلی تربیت نکرده  
کلیه بشر را به تعالی و ترقی دعوت فرموده ترقیات مملکتی را جدأ  
طالب بوده علی علیه السلام در جواب سائل از هسته ها میفرماید درخت است

چه جوابی است چه اشارتی است میخواید بگوید هر کدام از این دانه ها درختی خواهد شد و ثمره خواهد داد هم اسباب ترقی مملکت شده هم احسان بجامعه نموده ام لذا از يك دانه او صرف نظر ننمود و غرس کرد او را پس اسلام ضدیت خود را با نبلی و بیکارے باواز بلند اعلام و عمل را سر مشق جامعه قرار داد

## نتیجه فکر

فی البحار - قال ۴ تفکر ساعة خیر من عبادة ستین سنة ترجمه معصوم ۴ می فرماید فکر یکساعت بهتر است از عبادت شصت سال \* بسا کوتاه نظران خبر شریف را از اخبار متشابه فرض نموده و او را لا ینحل میدانستند شکر خدا را که فکر بشر این فکر خام را برطرف نمود و حقیقت او را آشکار کرد مگر نه این است که فکر دنیا را پراز صنعت نموده فکر است که معشونه دنیائی شده فکر که به ایست که بشر را بگرد خود طوف میدهد فکر مرکز آفتاب علوم دنیا است مخفیات عالم طبیعت بفکر کشف میشود مدار معارف برویست تمام علوم بدیعه و صنایع مستحده نتیجه فکر است فلاسفه عهد قدیم و عصر جدید علوم را بفکر بدست آورد اند علماء و دانشمندان دنیا بواسطه فکر بکشفیات عجیبه و ایجادات غریبه موفق شدند و بدین وسیله بمدارج عالیه تمدن و مراتب کامله ترقی نائل گردیدند پس فکر قائد و عساکش است فکر آورنده علم است فکر قوت دهنده علم است فکر مکمل توحید است

## ناشتا آب سرد خوردن

فی البحار - و يستعمل فيه شرب الماء البارد علی الریق ترجمه

آشامیده شود آب سرد در ماه دوم تابستان حال ناشنائی \* عبارت جزء خبری است موسوم برسالة الذهبية راجع بدستوراتی است که حضرت رضا ۴ جهة حفظ الصحه بمامون می دهد یکی از کشفیات امروزه که تمام دکتر هاے حاذقی متفق الکلده هستند خوردن آب سرد است ناشنائی و جهة حفظ الصحه باو اهمیت میدهند

## کاسه چکنم بدست نگیرید

فی البحار - قال رسول الله ص اذا اراد احدکم ان يتزوج المرأة فليسئل عن شعرها كما يسئل عن وجهها فان الشعرا حد الجمالين ترجمه رسول اکرم ص فرمود وقتی که اراده داربد تزویج زنی را البته سؤال کرده شود از .وی او مثل اینکه سؤال کرده میشود از صورت او موهم یکی از دو جمال است فی البحار - قال رسول الله ص اذا اراد احدکم ان يتزوج فلا باس ان يؤلج بصره فانما هو مشتر ترجمه رسول اکرم ص میفرماید کسی که اراده دارد تزویج را عیب ندارد اینکه کاملا به بیند او را چون خریدار است او فی البحار قال رسول الله ص اذا اراد احدکم ان يتزوج فلا باس ان ينظر الی ما ید عوه الیه منها ترجمه رسول اکرم ص میفرماید کسیکه اراده دارد تزویج را عیب ندارد این که نظر کند آنچه مایل است از بدن زن فی الوسائل - عن علی ۴ فی رجل ينظر الی محاسن امرأة یریدان يتزوجها قال ۴ لا باس انما هو مستام فان يقض امر یکن ترجمه سؤال کردند از علی ۴ کسیکه اراده دارد تزویج را نظر نکند بموضعهای نیک که در بدن زن است فرمود عیب ندارد چون او است معامله کننده اگر بگذرد امر ثابت میماند او فی الوسائل - قال یألت ابا جعفر ۴ عن الرجل یریدان يتزوج المرأة ينظر الیهما قال ۴ نعم انما یشتریهما باغلی الثمن ترجمه راوی میگوید سؤال کردم

از محمد ابن علی الباقر؛ کسیکه اراده دارد تزویج زنی را به بند او را فرمود بلی شراء میکند او را بگران ترین قیمت فی الوسائل - قال قلت لایعبد الله ؛ الرجل یریدان یتزوج المرأة یتاملها وینظر الی خلقها والی وجهها قال ؛ نعم لا باس ان ینظر الرجل الی المرأة اذا اراد ان یتزوجها ینظر الی خلقها والی وجهها ترجمه راوے میگوید گفتم به جعفر ابن محمد الصادق؛ کسیکه اراده دارد تزویج زنی را نظر بکند به خلقت بدن و صورت او تامل و دقت بکنند در او فرمود بله عیب ندارد اگر اراده دارد تزویج او را فی الوسائل - عن ابي عبد الله ؛ انه سئل عن الرجل ینظر الی المرأة قبل ان یتزوجها قال ؛ نعم فلم یعطى ماله ترجمه سؤال کرده شد جعفر ابن محمد الصادق ؛ دیده بشود زن قبل از اینکه تزویج کرده شود فرمود بله پس بجهت مال خود را میدهد او فی الوسائل - قال قلت لایعبد الله ؛ الرجل یریدان یتزوج المرأة ینظر الی شعرها فقال ؛ نعم انما یریدان یشتریهما باغلی الثمن ترجمه راوی میگوید سؤال کردم از معصوم ؛ کسیکه اراده دارد تزویج زنی را نظر بکند بموے او فرمود بله قصد کرده است شراء کند او را بگران ترین قیمت فی الوسائل - قال قلت لایعبد الله ؛ الرجل یریدان یتزوج المرأة ینظر الیها قال ؛ نعم و ترقق له الثياب لانه یرید ان یشتریهما باغلی الثمن ترجمه راوے میگوید سؤال کردم از صادق آل محمد ؛ کسیکه اراده دارد تزویج کند زنی را جائز است از برای او اینکه به بند او را فرمود بله و پوشد از برای او لباس نازک بجهت اینکه قصد کرده است شراء کند او را بگران ترین قیمت فی الوسائل - قال قلت لابی عبد الله ؛ ان صاحبتی هلکت وکانت لی موافقة و قد هممت ان اتزوج فقال ؛ لی انظر این تضع نفسك و من تشرکه فی مالک و تطلعه علی دینک و سرک فان كنت لا بد فاعلا فبکراً تنسب الی الخیر والی حسن الخلق و اعلم

انہن کما قال الان النساء خلقن شتى فمنهن الغنيمۃ و الغرام ومنهن الهلال اذا تجلّی لصاحبه ومنهن الظلام فمن یظفر بصالحتهن یسعد و من یعثر فلیس له انتقام و هن ثلث نامرة بکرو و لود و دود تعین زوجها علی دهره لدیاه و اخرته و لاتعین الدهر علیه و امراة عقیم لاذت جمال و لاخلق و لاتعین زوجها علی خیر و امراة صحابة و لاجة همارة تستقل الكثير و لا تقل الیسیر ترجمہ راوے میگوید بہ صادق آل محمد ؛ عرض کردم فوت نموده است زوجه ام کہ موافق بود با حال و عزم کردم تزویج فرمود ملاحظہ کن با چہ کسی وصلت می کنی و چہ کسی را شریک میگردانی در مال و مطلع می کنی او را بر دین و بر اسرار پس اگر عزم هستی تزویج کن زن با کرہ کہ منسوب باشد بخیر و بخلق نیک بدانکہ زنها خلق شده اند مختلف بعضی از آنها غنیمۃ است و شدید العلقہ هستند بشوہر بعضی از آنها مثل ہلال است وقتی کہ نجلی می کند بعضی از آنها بسیار ظلم کنندہ هستند بشوہر کسیکہ ظفر یافت صالح آنها درک نموده است سعادت را کسیکہ لغزید نیست برای او انتقامی زنها سہ نمرہ هستند زن با کرہ و لود و بسیار شوہر دوست معاونت می کند او را در امور زندگی دنیوی و اخروی زن عقیم کہ نیست برای او جمال و خلق نیک و معاونت نمی کند او را در امر خیر زن شدید الصوت کہ بسیار وارد شونده است بر شوہر و طعنه زنندہ و عیب کواست او را کم می بیند بسیار را قبول نمی کند کم را فی الوسائل - قال سمعت ابا عبد اللہ ؛ يقول انما المرأة قلادة فانظر ما تنقلد وليس للمرأة خطر لا لصالحتهن ولا لظالحتهن فاما صالحتهن فليس خطرها الذهب والفضة هي خير من الذهب والفضة واما ظالحتهن فليس خطرها التراب والتراب خير منها ترجمہ راوے میگوید شنیدم جعفر ابن محمد الصادق ؛ فرمود زن بمنزلہ قلاذہ است ملاحظہ و دقت کنید در این قلاذہ نیست برای زن مثل و شانی نہ از برای نیکان آنها و

نه از برائے بدان آنها اما نیکان آنها نیست مثل و شان آنها طلا و تفره آنها بهترند از طلا و تفره اما بدان آنها نیست مثل و شان آنها خاک خاک بهتر است از آنها فی البحار — عن الصادق ؛ قال قلت له ؛ انی ارید اتزوج امرأة و ان ابوی ارادا غیرها قال ؛ تزوج الی الی هویت ودع الی الی هوی ابواک ترجمه راوے میگوید سؤال کردم از حضرت صادق ؛ اراده کرده ام تزویج زنی را پدر و مادرم اراده کرده اند غیر او را فرمود تزویج کن زنی را که میل تو است باو و اگذار کن زنی را که پدر و مادر مایلند باو ۰ غرض واقعی از ازدواج ۱ - حفظ سلسله وجود بنی آدم ۲ - تشکیل هیئت اجتماعی بشر که بهم مربوط و پیوند بشوند ۳ - صحت مندی مزاج ۴ - معاونت بهم دیگر در امور زندگی دنیوی و اخروی اصولی است که سعادت و خوشبختی بشر منوط باو است نائل شدن باین سعادت موقوف بشرائطی است که اعمال آن از اهم امور است این است که قانون گذار اسلام باو اهمیت داده و سعادت بشر را باو متوقف نموده قبلاً و بعداً شرائط و دستوراتی جهت آن مقرر فرمود برائے رسیدن بسعادت و استحکام این علاقه و پیوند وعدم گسیختن آن اموری چند فرض و لازم شمرده این است که قبلاً رؤیت هم دیگر را قانون گذارده رضایت طرفین را شرط و واجب نموده نامل و دقت در این امر را مهم دانسته میتوان گفت مهمترین قوانین اسلام مسئله ازدواج است لذا جمع مابین دنیا و آخرت را باو متوقف نمود مختصری از فوائد رضایت و خوشنودی از یکدیگر در تحت چند ماده توضیح داده میشود . ادامه بین آنها . کثرت نسل . زندگانی خوش . مسرت دائمی مرد و زن . صحت مزاج . نبودن ضرر در حال وقاع باحالت عشق و محبت . محبت بین خویشان مرد و زن . تشکیل هیئت اجتماعی بشر . معاونت یکدیگر در امور زندگی

از روی شوق و صفا دنیوی و اخروی ، عشق مرد در تجارت و زراعت و کار ، عشق زن در امور خانه از نظافت طبخ خانه دارے ، حفظ و حراست نمودن مال شوهر را حضوراً و غیاباً ، برطرف شدن حزن و غم از ملاقات یکدیگر ، جلوگیری از خیالات فاسده مرد و وارد نشدن در اعمال قبیحه ، حفظ نمودن زن خود را از اجانب ، حفظ نسل ، نتایج مترتبه بر اولاد ، استمواً خلقت در حال انعقاد نطفه با حالت شوق و محبت ، مؤثر بودن حالت عشق و میل در حال وقاع در استعداد و ذکاوت ، کثرت عقل و شعور و حافظه ، فصاحت و بلاغت ، خوشکامی صورت و ملاحظت ، بشاشی صورت و طلاقت وجه ، خوش اندامی بدن و اعضاء ، خوشحالی از پدر و مادر ، طلب مفرت و دعا نمودن بآنها ، چالاک و زرنگی آنها در کار و شغل ، مایل بودن بخیرات و به کارهای نیک ، میل بخدمت نمودن بهم نوع ، محبوب بودن آنها نزد جامعه ، میل بخدمت نمودن بدوکت و مملکت ، خوشحالی خدا و رسول از آنها ، حسن عاقبت ، دخول در جنه ، مخفی و پوشیده نماد که موافق نبودن اخلاق و عدم رضایت نتایج آن برعکس خواهد بود و نظریات شارع مقدس را در مسئله ازدواج از دستورائی که مقرر فرمودند چه قبل از ازدواج چه بعد میتوان اهمیت آن را بدست آورد و فوائد مذکوره را یک هزارم آن دانست تبصره مراد از لفظ یشتربها که در بعضی اخبار ذکر آن شده بقرائن خارجیہ خریدن نیست بلکه کنایه از شدت اهتمام باحسان و محافظت نمودن زن است از مهالك و مخاطر



# اهمیت ازدواج و قر و احترامات زن در اسلام وظائف مرد - وظائف زن

فی الوسائل - قال رسول الله ص من تزوج احرز نصف دينه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید کسیکه زن گرفت محافظت نموده است نصف دینش را فی الوسائل - قال رسول الله ص من احب ان یلقى الله طاهراً مطهراً فلیلقه بزوجة ترجمه رسول خدا ص فرمود کسیکه دوست دارد ملاقات کند خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند او را در حالیکه برائے او باشد زن فی الوسائل - قال رسول الله ص یا معشر الشاب علیکم بالباه ترجمه رسول اکرم ص فرمود ای گروه جوانان لازم است برای شما جماع فی الوسائل - قال رسول الله ص ما احب من دنیاکم الا النساء و الطیب ترجمه رسول اکرم ص می فرماید دوست ندارم از دنیای شما مگر زن و عطر را فی الوسائل - قال النبی ص حبب الی من دنیاکم النساء و الطیب و جعل قره عینی فی الصلوة ترجمه رسول اکرم ص فرمود محبوب است نزد من از دنیای شما زن و عطر و قرار داده شد نور چشمم در صلوة فی الوسائل - قال رسول الله ص جعل قره عینی فی الصلوة و لذتی فی النساء ترجمه رسول اکرم ص میفرماید قرار داده شده نور چشمم در صلوة و لذت در زن فی الوسائل - قال رسول الله ص ملعون ملعون من ضیع من یعوله ترجمه رسول اکرم ص فرمود ملعونست ملعون کسیکه ضایع بگذارد عیالش را فی الوسائل - قال رسول الله ص خیرکم خیرکم لاهله و انا خیرکم لا هلی

ترجمه رسول خدا ص فرمود بهترین شما احسان کننده ترین شما است نسبت باهل و من احسان کننده ترین شما هستم نسبت باهل فی الوسائل - قال رسول الله ص الا خیرکم خیرکم لنسائه و انا خیرکم لنسائی ترجمه رسول اکرم ص فرمود آگاه باشید ای مردم بهترین شماها انسانی هستید که نیکی کننده ترین شماها باشد نسبت بزنها و من نیکی کننده ترین شما هستم بزنها فی الوسائل - قال رسول الله ص انما المرثة لعبة من اتخذها فلا یضعها ترجمه رسول اکرم ص میفرماید زن بازبچه و سبب تفریح و لذت شما است پس کسی که دارای زن شد ضایع نگذارد او را فی الوسائل - قال رسول الله ص خیر نسائکم العفیفة الغلظة ترجمه رسول اکرم ص میفرماید بهترین زنهای شما زنی است با عفت و پر شهوت فی الوسائل - عن ابی جعفر ؑ قال لا ینبغی للمرأة ان تعطل نفسها و لو ان تعلق فی عنقها قلادة و لا ینبغی ان تدع یدها من الخضب و لو ان تمسحها مسحاً بالحناء و ان كانت مسنة ترجمه محمد ابن علی الباقر ؑ میفرماید سزاوار نیست از برای زن که مهمل بگذارد نفس خود را اگر چه شده است آویزان کنند در گردش طوفی و سزاوار نیست از برای او ترك خضاب اگر چه شد است مس نماید حناراً بدست اگر چه باشد پیره زن فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال جاء رجل الی ابی فقال ؑ له هل لك من زوجة قال لا فقال ابی ما احب ان لی الدنيا و ما فیها و انی بت لیلة و لبست لی زوجة ثم قال ؑ الركعتان یصلیهما رجل متزوج افضل من رجل اعزب یقوم لیلہ و یصوم نهاره ثم اعطاه ابی سبعة دنانیر ثم قال ؑ تزوج بهذه ثم قال ابی قال رسول الله اتخذوا الاهل فانه ارزق لکم ترجمه صادق آل محمد ؑ میفرماید شخصی آمد خدمت پدرم باو فرمود آیا از برائے تو هست عیالی عرض کرد خیر پدرم فرمود دوست ندارم مالک دنیا بشوم و بخوابم يك شب بی زن بعد

فرمود دو رکعت نماز آدم متأهل نزد خدا افضل است از آدمیکه تمام شبها را به عبادت و روزها را بروزه و نباشد از برائے او زن و عطا کرد باو هفت دینار و امر نمود او را بتزویج پس فرمود پیغمبر ص امر و تاکید نموده است عمل تزویج را چون در اواست معاونت رزق فی الوسائل —

عن ابی عبد الله قال ، من اخلاق الانبياء حب النساء ترجمه صادق آل محمد ؛ میفرماید از اخلاق انبیاء است دوست داشتن زنها فی الوسائل — قال رجل سمعت الصادق ؛ يقول كلما ازداد للنساء حباً ازداد فی الايمان فضلا ترجمه شخصی گفت شنیدم حضرت صادق ؛ فرمود هر قدر زیاد شود در قلوب محبت زن باعث زیادتى فضیلت است در ایمان فی الوسائل — عن ابی عبد الله ؛ قال كل من اشتد لئاجبا اشتد للنساء حب وللجواء ترجمه صادق آل محمد ؛ میفرماید هر کس شدید و محکم بشود محبتش نسبت بهما شدید و محکم میشود محبتش نسبت به زن و بشرینی فی الوسائل — عن ابی عبد الله قال ؛ اكثروا الخیر فی النساء ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ؛ میفرماید بسیار کنید نیکی و خیر را نسبت به زنها فی الوسائل - قال الراوی رأیت ابا الحسن ؛ اختضب فقلت جعلت فداك اختضب فقال ؛ نعم ان التھیة مما تزيد فی عفة النساء ولقد ترك النساء العفة بترك ازواجهن التھیة ثم قال ؛ ایسرك ان تراها علی ما تراك علیها اذ كنت علی غیر تھیة قلت لا قال ؛ فهو ذاك ثم قال ؛ من اخلاق الانبياء التتظف و التتطیب و حلق الشعر و كثرة الطروقة ترجمه راوے میگوید ملاقات کردم معصوما در حالیکه خضاب کرده بود عرض کردم فدائے تو شوم خضاب نموده فرمود بلی اقدام باین امور زیاد میکند عفت زنها را بتحقیق زنها ترك عفت نمودند بواسطه اینکه شوهرها ترك نمودند زینت را پس فرمود آیا مسرور میشود اینسکه به بینی او را غیر مزینه عرض کردم خیر فرمود

او هم مثل تو است پس فرمود از اخلاق انبیاء است پاکیز گئی و عطر  
و ازاله مو و کثرت طروقه فی الوسائل - عن ابی ابراهیم ؑ جهاد المرءة  
حسن التبعیل ترجمه معصوم؛ میفرماید جهاد زن خوب شوهردارے است **بقره** قوام  
سلسله اهل عالم بمزاجت متعلق و مربوط و دوام اساس بقای بنی آدم بمناکحت  
وابسته و منوط است فوائد دنیوی و اخروی درضمن این امر مندرج پس  
بنی نوع بشر را تزویجی که باعث استحکام رشته بقا و موجب انتظام امر  
دین و دنیا است اهم و ضرور است چون وجود بنی آدم بقانون ازدواج بر  
پا و محکم است و اساس جمعیت بشریت از ازدواج حاصل سعادت جمعیت بشریت  
را حالا و استقبالا ازدواج علت و سبب است محبت و شفقت و قرابت بلکه  
کافه روابط انسانی و فضایل مقبوله بشریت بطفیل ازدواج حاصل و منظم است  
تمام ذوی الحیات حتی نباتات قانون ازدواج را تابع و سلسله عشق و محبت و  
علاقه الفت و پیوند جنسیت را پابند و مربوطند ازدواج خادم مدنیت  
و انسانیست است انسان بر حسب طبیعت و به مقتضای فطرت محال است که  
در گوشه خلوت و بحال وحدت زندگی را بسر برد بلکه مجبور است با  
بنی خود متفق و جمعیت و آرام گاهی ترتیب داده تعیش نماید و حصول  
اجتماع را وجود مرد و زن لازم و بقاء آن بازدواج موقوف و منحصر است  
لذا ازدواج را یک رکن اعظم انسانیت شمرده اند حکماء و پروفیسور های  
دنیا ازدواج را خدمتی بزرگ برای وطن و بقاء ملت دانسته اند برای تنزید  
و افزونی ملت لرغیب بازدواج مینمودند علاوه نزد حکماء و اطباء قدیماً و  
جدیداً امر ازدواج صرف حصول تناسل مقصود و مراد نیست بلکه یک فعل  
طبیعی منظور است که تمام اعضاء جسمانی را نشوونما داده افعال حیاتی و ملکات  
عقلیه را قائم و دائم بدارد مثلاً هر ذی روحی که صاحب اعضاء هاضمه  
است چنانچه برای زیست از اکل و شرب و دفع فضلات پابند امر طبیعی است

هم چنین تمام مخلوقی که دارای اعضاء تناسل اند برای ابقاء و اجراء امور متعلقه باعضاء تناسلی بازدواج مجبور و ناچارند چنانچه هر انسانی را وقت گرسنگی خوردن و وقت تشنگی آشامیدن فرض و ضرورت است همچنین موقع اشتیاق و اشتعال قوه شهویه اعتدال مزاج و صحت بدن و جمعی حواس به جماع منوط و مربوط است لذا شارع مقدس جماع را برای جوانان مهم دانسته ازدواج صحت بدن را پایدار میکند آتش هوا و خیالات فلسفه را تسکین میدهد خوابهای عاشقانه و پریشانرا دور می نماید حال که فهمیدیم ازدواج وسیله اخلاق حمیده و خصال پسندیده و ملجاء بشریت و حافظ صحت و مایه انسانیت است خوبست دستور بزرگان و مریبان بشر را آنچه و وظائف مقرر فرموده اند اطاعت و پیروی نموده تا بهره او را دیده و ثمره او را چشیده بیانات رسول خدا و ائمه هدی را نسبت بوظائف مردوزن تفکر کن دستوری است که منشاء نتایج عالیه و فوائد حسنه خواهد بود شجره ایست که ثمره آن شیرین و مفرح روح پس علة العال سعادت و مسبب الاسباب نجات همانا عمل نمودن بوظائف است که موجب اتحاد و محبت زن و شوهر است هیچ چاره و هیچ راه نجاتی برای جاوگیریه از ملك الموت زندگانی جز تمسك بریسمان محکم یگانگی و مودت با یکدیگر متصور نیست در این صورت لازم و محتتم است که خانه داخلی را از لطمات موجهای مخالفت و خصومت نگاهداریم کنیم و از منازعه و مشاجره باهم که جز خرابی خانمان نتیجه نمیدهد با نهایت جد و جهد و با يك ثبات قدم باید احتراز جوئیم برعکس عمل نه نمودن بوظائف شجره ایست که ثمره آن تلخ تراز حنظل و کشنده روح برای قبض روح سعادت و خوشبختی عزرائیلی هولناک تر از این در تصور نمی گنجد بحکم شرع و عقل و به فتوی تجربه جمیع ملل راقیه نزاع داخلی و فتنه و آشوب بین زن و شوهر

مانع ترقی و جلوگیر از سعادت انسانی است جز خسارت جانی و مالی و تحلیل قوای دماغی فائده دیگری عاید نگردد روز بروز بر پریشانی و فقر خواهد افزود و شعاع فتنه بالا خواهد گرفت ضرر این فتنه نه منحصر است بخود آنها برهم زنده دو طائفه است بلکه مؤثر بجامعه و مملکت خواهد بود از این جهت است که در بعضی از ممالک بوظائف خود عمل نموده توقیر و احترامات همدیگر را مواظبت نموده و باو اهمیت میدهند خاصه نسبت بزین این معنی فوق العاده مورد توجه و آنها را معزز و محترم میدارند و اگر در این اخبار که راجع است بتوقیر و احترامات زن و محبت و احسان نمودن بآنها دقت شود معلوم خواهد شد که حقیقت این اخبار در بعضی از ممالک طلوع کرده و جلوه خود را میدهد و آنها را مطیع این قانون خواهند دانست

## حالات زن در قدیم

سورة مبارکه نحل - و اذا بشر احدکم بالانثی ظل وجهه مسوداً و هو کظیم یتواری من القوم من سوء ما بشر به ايمسکه علی هون ام یدسه فی الثرات الاساء ما یحکمون ترجمه وقتیکه بشارت داده میشد بدختر سیاه می گردید صورت او و محزون میگرددید و پنهان میشد از مردم از خجالت و بدی این مژده متفکر بود ایانکه دارد او را با خارے و عار یابنهان کنداورا در خاک آگاه باشید بداست آنچه را که حکم میکردند کسانیکه مطاعند از تاریخ میداند در زمان قدیم زن در جامعه بشر حکم صفر داشته اهمیتی باو نمیدادند در شمار کنیزان و خدمتکاران بوده شخصیتی نداشته بلکه او را بین انسان و حیوان جنس ثالثی فرض میکردند پست تر از بهائم

و حیوانات گردید مرد بر او حکمران و فعال ما یشاء بود بهوا و هوس خود آنچه را که میخواست در باره او مینمود زن بسیار کوچک و ذلیل و پست شد امر حیات و ممات آنها بدست مردان بود حتی بسکستن او و زنده بگور گذاردن او طائفه بزرگی از عرب دختران خود را زنده بخانه قبر پنهان و در برده خاك مستور مینمودند هنگام زائیدن گودالی میکنند و در سر آن گودال می نشینند و میزائیدند هر گاه دختر بود فوراً او را زنده در گودال انداخته دفن مینمودند و اگر پسر بود بر میداشتند و بزرگش می نمودند در عصر جاهلیت و زمان بربریت طائفه دختران را به معرض خرید و فروش در آورده متجری خود قرار میدادند همان معامله که با کهنیزان و دواب میکردند با زن هم همان معامله را میکردند هر گاه برای مردی دختره بخره وجود می آمد از کثرت حیا و خجالت نمی توانست در حلقه مردان در آید گویا گفاهی بزرگ از او سر زده که از او دختر شده تاریخ زن گریه آور و غم انگیز است داستانی است پر از شدائد و مهالك در روز کار های ظلمانی چه رنجها برده در بیچارگی و درمندگی چه مراحل پیموده مجسمه بی اراده شد که جامعه اسارت را می پوشید و عمری در ذلت میگذرانید همینکه خورشید عالمتاب اسلام طلوع نمود قواعد و قوانین محکمه نهاد که زنها از گمنامی و بد نامی رهائی بخشید و از حضیض مذلت باوج عزت برسانند حدود زنها معین و تکالیف او را مشخص و بقدر قابلیت و استعداد او را متنعم و متخصص بنعم و خصائص فرمود که در آسایش و رفاه در هیئة اجتماعیه بسهوات و آرامی و عزت و شرافت زندگانی کنند از ایشوقت زن مقامی یافت و حقوقی بدست آورد حیات نویرا پیدا کرد در تحت لواء اسلام معزز و محترم گردید

## تشکر کنید از مولود سوی الخلقه

فی الوسائل - کان علی بن الحسین ؛ اذا بشر لولد لم یستله اذکر هو ام انشی حتی یقول اسوی فاذا کان سویا قال ؛ الحمد لله الذی لم یخلق منی خلقاً مشوها ترجمه وقتیکه خبر داده میشد علی بن الحسین ؛ از مولود ابتدا سئوال نمی فرمود بسر است یا دختر سئوال میفرمود آیا صحیح و سالم است خلقت او یا ناقص پس از زنده شدن میفرمود حمد خدا را که خالق فرمود از من اولاد قبیح و ناقص الخلقه را

## مهمانی، رفتن بی دعوت

فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؛ قال اذا دعی احدکم الی طعام فلا یتبعن ولده فانه ان فعل اکل حراماً و دخل عاصیاً ترجمه جعفر بن محمد الصادق ؛ می فرماید وقتی که دعوت کرده شد کسی بسوی طعام البته همراه نبرد ولد خود را اگر خورد است حرام و داخل شده است عاصیاً فی الوسائل - قال سمعت ابی عبد الله ؛ یقول من اکل طعاماً لم یدع الیه فانما اکل قطعة من النار ترجمه راوی می گوید شنیدم حضرت صادق ؛ فرمود کسیکه بخورد از طعامیکه دعوت نشده است باو خورد است قطعه از آتش را



## اخبار از مکر و ب و مواد سمی دهن

فی الوسائل - قال النبی ص ما زال جبرائیل یوصینی بالسواک حتی خفت ان احفی او ادرد ترجمه نبی اکرم ص میفرماید همیشه جبرائیل وصیت میکرد مرا بمسواک تا اینکه ترسیدم بآننها برسانم یا بکلی از بین به برم

فی الوسائل - قال رسول الله ص ما زال جبرائیل یوصینی بالسواک حتی ظننت انه سيجعله فريضة ترجمه رسول اکرم ص میفرماید همیشه جبرائیل وصت می کرد مرا بمسواک تا گمان کردم واجب خواهد کرد او را

فی الوسائل - قال رسول الله ص لو لا ان اشق علی امتی لامرتهم بالسواک مع کل صلوة ترجمه رسول اکرم ص می فرماید اگر نمود که به مشقت می انداختم امت خود را هر آینه واجب میکردم مسواک را با هر نمازی

فی الوسائل - قال رسول الله ص مالي اراکم قايحاً ما لکم لا تستاکون ترجمه رسول اکرم ص فرمود می بینم دندانهای شمارا زرد و چرک چه چیز است شمارا که مسواک نمیکنید فی الوسائل - قال النبی ص لعلی ء یا علی عليك بالسواک عند وضوء کل صلوة ترجمه نبی اکرم ص فرمود یا علی بر تو باد به مسواک در وضوء هر نمازی فی الوسائل - فی وصیة النبی ص لعلی ء قال عليك بالسواک لكل وضوء ترجمه نبی اکرم ص لعلی ء فرمود بر تو باد به مسواک در هر وضوئی فی الوسائل - قال امیر المؤمنین ء السواک یجلو ابصر ترجمه علی علیه السلام میفرماید مسواک جلا میدهد چشم را فی الوسائل - عن ابی جعفر ء قال شکت الکعبة الی الله عز وجل ما تلقی من انفاس المشرکین فاحی الله الیها قری کعبة فانی مبدلک بهم قوماً یتظفون بغضبان الشجر فلما بعث الله محمداً اوحی الیه مع جبرائیل بالسواک والخلخال ترجمه محمد بن علی الباقر ء میفرماید شکایت کرد که من سوسه خدا

از نفسهای مشرکین خدا وحی کرد قرار بگیر ایگه به مبدل میکنم این قوم را بقومی که نظیف می کنند خودشانرا بشاخه های درخت بس چون مبعوث شد محمد ص وحی کرد باو به مسواک و خلال فی الوسائل - قال ابو جعفر؛ لكل شئ طهور و طهور الفم السواک ترجمه محمد ابن علی الباقر؛ میفرماید برائے هر چیز آلت نظافت است آلت نظافت دهن مسواک است فی الوسائل - عن ابی جعفر؛ قال السواک ینذهب بالبلغم ویزید فی العقل ترجمه حضرت باقر؛ می فرماید مسواک می برد بلغم را و زیاد میکند عقل را فی الوسائل - عن ابی عبدالله؛ قال السواک ینذهب بالدمعة و یجلو البصر ترجمه حضرت صادق؛ میفرماید مسواک می برد ترشح آب چشم را و جلا میدهد نور او را فی الوسائل - روی لو علم الناس ما فی السواک لابانوه معهم فی لحاف ترجمه روایت شده است از معصوم؛ اگر بداند مردم چه منافعی است در مسواک هر آینه بیوته میکنند زیر لحاف با مسواک فی الوسائل - عن ابی عبدالله؛ قال رکعتان بالسواک افضل من سبعین رکعة بغير سواک ترجمه حضرت صادق؛ میفرماید در رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت نماز بی مسواک فی الوسائل - عن ابی عبد الله؛ قال فی السواک اثنا عشرة خصلة هو من السنة و سطهرة للفم و مجلاة للبصر و یرضی الرب و ینذهب بالبلغم و یزید فی الحفظ و یبيض الاسنان و یضعف الحسنات و ینذهب بالحر و یشد الثة و یشهی الطعام و تفرح به الملكة ترجمه جعفر ابن محمد الصادق؛ میفرماید در مسواک دوازده خصله است عمل بقانون. آلت نظافت است از برائے دهن. آلت جلا است از برای چشم. خوشنود میکند خدا را. می برد بلغمرا. زیاد میکند قوه حافظه را. سفید میکند دندانها را. مضاعف میکند حسانرا. می برد زردی دندان را. محکم میکند لثه را. زیاد میکند میل بطعام را. فرح ناک میشود بواسطه او مائکله فی الوسائل - عن ابی عبد الله؛

قال من سنن المرسلین السواک ترجمه حضرت صادق ؑ میفرماید از سنن و قوانین انبیاء مسواک است فی الوسائل - قال ابو عبد الله ؑ من اخلاق الانبیاء السواک ترجمه حضرت صادق ؑ میفرماید از اخلاق انبیاء مسواک است فی الوسائل -

قيل لابی عبد الله ؑ انی هذا الخلق کلهم من الناس فقال ؑ القى منهم التارل للسواک ترجمه کفته شد بحضرت صادق ؑ آیا تمام این مردمرا انسان میدانى فرمود القاء کن از آنها تارک مسواک را بچو کلمیه مسموم و فاسد بودن خون مزاج را از حال طبیعی خارج و تغییراتی در بدن میدهد باعث بسیاری از مرضها خواهد شد مخصوصاً اعضاء ریه را از قبیل قلب کبید معده از عمل باز میدارد چون جزء عمده خون عبارت است از عده زیادى اجزاء صغار موسوم به گلبول که در آن شناورند يك میلیمتر مکعب خون کرور ها از این اجسام را حاوے است عمل آنها است جذب اکسیژن و حمل آن با کمال سرعت در تمام اجزاء بدن خون فاسد گلبولها را ضعیف نموده این است که درست بعمل خود استقامت نمیکند بهلاوة علت عمده بروز امراض مسریه بواسطه میکروب هائی است که در هوا پراکنده و متفرق است در مواقع متناسب از راه تنفس وارد خون میگردد و یا مواقعیکه زخمی در سطح بدن باشد روی زخم نشسته داخل در خون شده در آنجا نشو و نما میکند و ابتلاى بامراض مسریه مربوط باستعداد مزاجى و موقعیت میباشد و اشخاصیکه خون آنها فاسد و ضعیف المزاج هستند بیش تر مستعد برای قبول امراض میباشد پس از ابتلا خیللى خطرناک و اغلب در آنها منجر بمرک میگردد پس لازم است که همیشه خود را برای استقامت و دفاع از امراض مسریه حاضر نموده و آن موقوف به تصفیه خون و دفع نمودن کثافات است از آن ازاخبار شریفه همچو استفاد میشود که میکروب و کثافت دهن خون را فاسد و او را مسموم مینماید البته بادهن پر از کثافت و عفونت و بلعیدن آب دهان یا خوردن غذا و آشامیدن آب

مخلوط بآنها شده وارد معده میشوند جزء خون میگردد خون را مسموم و موجب اتلاف گدولها میشود این است که انسان مستعد برای بسیاری از مرضها خواهد شد پس یکی از اصول مهمه حفظ الصحه مسواك و دهن شویی است در کتب حفظ الصحه مینویسد تا کنون میکروبهای بسیار بانواع مختلفه در دهان مشاهده شده اطباء و دکتراهای حاذق قسمت مهمی از مرضها را راجع بآن میدانند و بعضی از مرضها را بکشیدن دندان یا امر نمودن بمسواك معالجه میکنند جای شك و شبهه نیست که رضای حق جلای چشم ذهاب بلغم زیادی حفظ مضاعف شدن حسنات محکمی لئه زیادے اشتهای فرح ملائکه که در خبر مذکور شد تمام آنها مربوط است بصفیه خون خون پاك مزاج را معتدل شیطان را دور میسازد شرارت نفس را می برد اخلاق رذیله مبدل باخلاق حمیده میگردد اهمیت این مکروب بجدی است که جبرئیل همیشه موقع نزول مسئله مسواك و شست شوی دهن را تجددیدو باو اهمیت میداد خداوند متعال این مکروب را بجمع سفراء خود خبر داد لهذا تمام انبیاء شست و شوی دهان و مسواك را مواظبت می نمودند برای اهل نظر و دقت خبر شریف حیرت انگیز است فرمود انبارك مسواك از بشر محسوب نخواهد بود چگونه مراد سمی دهان نارکین مسواك را از درجه و رتبه انسانیت خلع مینماید معلوم میشود کارخانه بدن را از نظام طبیعی رو بفساد و اضمحلال میگذارد نه تنها مؤثر در خرابی مملکت بدن است بلکه عادات حسنه و اخلاق حمیده او را مبدل بعادات قبیحه و اخلاق رذیله خواهد نمود و آفتاب علم و دانش وجودت ذهن از افق او غروب خواهد کرد پس آدمی که دارای يك همچو عنصر و روحی شد البته از دایره انسانیت خارج و از بنی نوع بشر محسوب نخواهد شد



## حفظ الصلحة و اخبار ار اسيد ك ربو نيك

في الوسائل - عن ابي عبد الله ؑ قال نهى رسول الله ص عن العبة الواحدة في الشرب و قال ص ثلثاً و اثنتين ترجمه صادق آل محمد ؑ :  
 مي فرمايد نبي اكرم ص نهى فرمود از آشاميدن آب يك نفس فرمود آشاميدن شود به سه نفس يا دو نفس في الوسائل - عن ابي عبد الله ؑ قال كان امير المؤمنين ؑ يكثر النفس الواحد في الشرب و قال ؑ ثلثة انفاس او اثنتين ترجمه حضرت صادق ؑ مي فرمايد علي ؑ كه رهيتم داشت از آشاميدن آب به يك نفس فرمود آشاميده شود سه نفس يا دو نفس في الوسائل -  
 عن ابي عبد الله ؑ انه شرب و نفس ثلث مرات ير توى في الثالثة ترجمه راوي ميگويد حضرت صادق ؑ آب ميخورد سه نفس در مرتبه سوم سيراب ميشد  
 في الوسائل - عن ابي عبد الله ؑ قال ثلثة انفاس في الشرب افضل من نفس واحد ترجمه راوي ميگويد حضرت صادق ؑ فرمود آشاميدن آب سه نفس افضل است از يك نفس في الوسائل - قال ابو عبد الله ؑ ان الرجل منكم ليشرب الشربة من الماء فيوجب الله له بها الجنة ثم قال انه لياخذ الاناء فيضعه على فيه و يسمى ثم يشرب فينحيه وهو يشتهي فيحمد الله ثم يعود فيشرب ثم ينحيه فيحمد الله ثم يعود فيشرب ثم ينحيه فيحمد الله فيوجب له عز و جل بها الجنة ترجمه صادق آل محمد ؑ مي فرمايد ممكن است بواسطه آشاميدن آب خداوند متعال بهشت را براي انسان واجب كند فرمود ميگيرد ظرف آب برا بدست و بسم الله ميگويد و مي آشامد پس دور ميبرد ظرف آب را در حالتيكه مابل است بار و حمد ميكنند خدا را باز شروع ميكنند آشاميدن و دور بردن ظرف و حمد ميكنند خدا را باز شروع ميكنند آشاميدن و دور بردن ظرف و حمد ميكنند خدا را

واجب میکند خدا بهشت را از برای ارفی الوسائل - قال سمعت ابا عبد الله  
الله يقول ان الرجل ليشرب الشربة فيد خله الله بها الجنة قلت و كيف  
ذاك قال ؛ ان الرجل ليشرب الماء فيقطعه ثم ينحى الماء و هو يشتهي  
فيحمد الله عز وجل ثم يعود فيه فيشرب ثم ينحى و هو يشتهي فيحمد  
الله عز وجل ثم يعود فيشرب فيوجب الله عز وجل له بذلك الجنة  
ترجمه راوی میگوید شنیدم حضرت صادق ؛ فرمود ممکن است بواسطه  
آشامیدن آب خداوند متعال انسان را داخل بهشت کند عرض کردم چگونه  
میشود این مطلب فرمود انسان می آشامد آب را پس قطع شرب میکند و  
دور میرد ظرف آب را در حالتیکه مایل است باو و حمد میکند خدای  
عز وجل را باز شروع میکند باشامیدن و قطع نمودن شرب و دور بردن  
ظرف در حالتیکه مایل است باو و حمد میکند خدای عز وجل را باز  
شروع می کند باشامیدن خداوند واجب می کند بهشت را از برای او  
فی الوسائل - عن ابي عبد الله ؛ قال اذا شرب احدكم الماء فقال  
بسم الله ثم قطعه فقال الحمد لله ثم شرب فقال بسم الله ثم قطعه فقال  
الحمد لله ثم شرب فقال بسم الله ثم قطعه فقال الحمد لله سبح ذالك  
الماء له مادام في بطنه الى ان يخرج ترجمه صادق آل محمد ؛  
ميفرمايد موقع آشامیدن آب کسیکه بگوید بسم الله و بیاشامد پس قطع  
کند شرب را و بگوید الحمد لله باز بگوید بسم الله و بیاشامد و قطع کند  
شرب را و بگوید الحمد لله باز بگوید بسم الله و بیاشامد و قطع کند  
شرب را و بگوید الحمد لله تسبیح میکند آب برای او مادام که در شکم  
او است فی البحار - و كان ص لا يتنفس في الاناء اذا شرب فان اراد  
ان يتنفس ابعده الاناء عن فيه حتى يتنفس ترجمه نبی اکرم ص در  
بین شرب تنفس نمی کرد در ظرف اگر اراده می کرد تنفس را دور می برد  
ظرف را از دهن و تنفس مینمود ☉

بطور خلاصه تنفس عبارت است از اخذ اکسیژن هوا و دفع اسید کربونیک چون هوا داخل در ریه گشت از تمام معبرهای خود سیر نموده مقداری از اکسیژن آن از جدار عروق نفوذ نموده داخل خون میشود به معاونت خون در تمام اجزاء بدن گردش مینماید معده را تقویت و ترشحات او را معتدل میسازد تجدید تنفس و وارد نمودن اکسیژن در بین شرب بهترین عمل و وسیله است برای تقویت معده سبب سرعت هضم میگردد آب را جزء خون میکنند پس فرمایش معصوم؛ از اینکه آنامیده شود آب به نفس یادرتفس مطابق است با حفظ الصحه خاصه که انسان در این حال تکلم کند چون نطق بحسب طبیعت فشاری به بدن میدهد خون را بجریان میاندازد این است که کشیدن نفس و تکلم نمودن کاملاً آب را جزء خون و مزاج را سالم مینماید و در تنفس نمودن رسول اکرم ص در ظرف و دور بردن او را از دهان و هنگامذا دستور حضرت صادق؛ قطع نمودن شرب و دور بردن ظرف مقصود از دور بردن ظرف آب گمان میرود نظر به نرسیدن نفس است به سطح آب چون با بودن ظرف نزدیک دهن و کشیدن نفس و تکلم نمودن قطعاً گازسمی واسید کربونیک بسطح آب خواهد رسید و او را مسموم خواهد نمود این است که دستور میدهد بدور بردن ظرف پس حدیث شریف خبر میدهد از اسید کربونیک و منتهی درجه حفظ الصحه را بما تعلیم میدهد لولا این معنی دور بردن ظرف آب چیست و چه معنی را اشاره ایست در این صورت عملیکه خون را نصفیه بدن را سالم مزاج را معتدل و نشکر هم از منعم حقیقی نموده باشد البته استحقاق بهشت را پیدا خواهد کرد و مراد از نسبیج آب در شکم نه مثل تسبیح انسانی است و گفتن سبحان الله است مقصود زبان حال او است چون عمل به این کیفیت اسرع طریق است

برای رسانیدن اورا بکمالات و اورا جزء بدن انسان نمودن بعبارت اخری  
اگر خلعت شعور و ادراک بآن وجود پو شانیده شود همان کلمه سبحان الله از او  
ظاهر و بزبان خود تنزیه حق گوید انشاء الله در باب خودش در تسبیح نمودن  
انبیاء حضرت احدیت را مفصلاً ذکر خواهیم نمود

## اخبار از سوپ

فی البحار - وابدء فی اول الطعام باخف الاغذیة التي یقتدی بها بدنك  
بقدر عادتک و بحسب طاقتک و نشاطک و زمانک ترجمه علی ابن موسی الرضا  
فرمود ابتدا کن قبل از خوردن طعام به سبک ترین غذائی که تربیت میدهد  
بدن تو را بقدر عادت و بحسب طاقت و میل و بحسب اختلاف زمان  
عبارت جزء خبری است موسوم برسالت الذهبیه مراد از سبکی غذا غذائست  
که پس از ورود بمعدة بقوریت جزء بدن شود البته چنین غذائی مربی بدن  
جهت تقویت مزاج بسیار نافع خواهد بود و امروزه غذاء لطیف و مقوی  
که در دنیا میان ملل راقیه قبل از طعام معمول و متداول است موسوم است  
به سوپ و بحسب فرمایش معصوم؛ سوپ بواسطه اختلاف شهر و چهار فصل  
سنوی مختلف خواهد بود

## صدر نشستن مضیف

فی البحار - قال الراوی انی فی منزلی يوماً فدخل علی الخادم فقال  
ان فی الباب رجلاً یکنی بابی الحسن ، یسمی موسی ابن جعفر ، فقلت یا غلام  
ان کان الذی اتوهم فانت حر لوجه الله قال فبادرت الیه فاذا انی به فقلت  
انزل یا سیدی فنزل و دخل المجلس فذهبت لارفعه فی صدر البیت فقال لی  
یا فضل صاحب المنزل احق بصدر البیت الا ان یکون فی القوم رجل من بنی  
هاشم فقلت فانت اذا جعلت فداک ترجمه راوی میگوید نشسته بودم در منزل

خادم خبر داد که درب منزل شخصی است مکنی بابی الحسن مسمی بموسی ابن جعفر؛ بخادم گفتم اگر کسی که آمده است شخصی است که تو میگوئی آزادی در راه خدا با عجله حرکت کردم دیدم او است که خادم گفته عرض کردم فرماید اے آقائے من بس داخل شد و نشست در مجلس خواستم او را بصدر جای دهم فرمود صاحب منزل اولی است بصدر مگر اینکه بوده باشد هاشمی در مجلس عرض کردم فدای تو شوم شما میباشید هاشمی از آداب و قوانین بعضی از ممالک امروزه این است که صاحب منزل موقع مهمانی صدر مجلس مینشیند و از یمن و یسار سایر مهمانها هر کدام در مکانی نشسته و باین حالت صورت مجلس را تشکیل میدهند حال نقطه نظر آنها از صدر نشستن مضیف چیست و از روی چه حکمت معمول آنهاست معلوم نیست لیکن آنچه را که از خبر شریف بنظر میرسد از اینکه فرمود صاحب منزل اولی است بصدر احترامات مضیف و تشویق مهمانی است که رکن اعظم تالیف بشر باو است چون هر کس نسبت بعمل نیک و برجسته خود قابل توجه و مورد تقدیس خواهد شد شارع مقدس نظر بزحمات و مخارجات فوق العاده مضیف او را منزه شمرده نظر باطعام و احترامات اواز عده او را محترم دیده اینست که صدر مجلس را باو تفویض نمود

## کیفیت مهمانی در مدینه

فی البجار - قال الراوی حجبت و معی جماعه من اصحابی فانیت المدینه فقصدنا مکاناً ننزله فاستقبلنا غلام لابی الحسن موسی ابن جعفر ، علی حمار له اخضر یتبعه الطعام فنزلنا بین النخل و جاء هو فنزل و اتی بالطشت و المأقبد و غسل یدیه و اذیر الطشت عن یده حتی بلغ اخرنا ثم اعید من یساره حتی اتی علی اخرنا ثم قدم الطعام فبدء بالملح ثم قال کلوا بسم الله الرحمن الرحیم

ثم تى بالخل ثم اتى بكف مشوى فقال كلوا بسم الله الرحمن الرحيم فان  
 هذا طعام كان يعجب النبى ص ثم انى بالخل والزيت فقال كلوا بسم الله الرحمن  
 الرحيم فان هذا طعام كان يعجب فاطمه ؛ ثم اتى بالسكباغ فقال كلوا  
 بسم الله الرحمن الرحيم فان هذا طعام كان يعجب امير المؤمنين ؛ ثم اتى  
 بلحم مقلوفيه باذنجان فقال كلوا بسم الله الرحمن الرحيم فان هذا طعام كان  
 يعجب الحسن بن على ؛ ثم اتى بلبن حامض قد ثرد فيه فقال كلوا بسم الله  
 الرحمن الرحيم فان هذا طعام كان يعجب الحسين بن على ؛ ثم اتى باضلاع  
 باردة فقال كلوا بسم الله الرحمن الرحيم فان هذا طعام كان يعجب على  
 ابن الحسين ؛ ثم اتى بجن مبرز فقال كلوا بسم الله الرحمن الرحيم فان هذا  
 طعام كان يعجب محمد بن على ؛ ثم اتى بتورفيه بيض كالعجة فقال كلوا  
 بسم الله الرحمن الرحيم فان هذا طعام كان يعجب ابى جعفر عليه السلام ثم اتى  
 بحلواء فقال كلوا بسم الله الرحمن الرحيم فان هذا طعام كان يعجبى  
 ترجمه راوے ميگويد در سفر مکه بانفاق جماعتى از همراهان وارد مدينه  
 شديم در جستجوى منزل بوديم در اين بين استقبال كرد ما را خادم موسى  
 ابن جعفر ؛ سوارالاغى بود سبز چره همراه او بود چيزهاى خوراكى بس بانفاق  
 وارد شديم در نخلستانى بعد نشريف آوردند موسى ابن جعفر ؛ حاضر كرد  
 طشت وآبى را پس ابداء كرد بشستن دست خود بعد شروع شد بشستن دستها از طرف  
 راست تا آخر بعد شروع شد از طرف چپ تا آخر پس ابتدا كرد بنمك فرمود  
 بخوريد بنام خدا تا نيا خورند سر كه را بعد آورد كتف بربان شده را  
 فرمود بخوريد بنام خدا طعامى است كه مايل بود باورسول خدا ص بعد آورد  
 سر كه و زيت را فرمود بخوريد بنام خدا طعامى است كه مايل بود باوفاطمه ؛ بعد  
 آورد آب گوشتى را كه پخته بودند او را از گوشت و سر كه فرمود بخوريد  
 بنام خدا طعامى است كه مايل بود باو امير المؤمنين ؛ بعد آورد گوشت و بادمجان  
 را كه پخته بودند آنها را با هم فرمود بخوريد بنام خدا طعامى است كه

مایل بود باو حسن بن علی؛ بعد آورد آب دوغ ترید کرده فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که مایل بود باو حسین ابن علی؛ بعد آورد دندهاے بسیار خوش مزه فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که مایل بود باو علی ابن الحسین؛ بعد آورد پشیر بسیار تمیز و پاکبزه فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که مایل بود باو محمد ابن علی؛ بعد آورد ظرف کرجک خزفی که در او بود تخم مرغ که شبیه بود بخاگینه فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که مایل بود باو پدرم جعفر ابن محمد؛ بعد آورد حلوا را فرمود بخورید بنام خدا طعامی است که مایل هستم من باو علیه السلام خبر شریف قابل توجه است چقدر شباهت دارد به مهمانیهای بعضی از ممالک امروزه کسیکه اطلاع از مهمانیهای اروپا و امریکا داشته باشد تطبیق خبر شریف را خواهد فهمید آنچه را کون و قانون آنها است صدر نشستن مضیف است در مجلس و نشستن مهمانهاست بطرف راست و بطرف چپ و گذاردن راهی است برای پیشخدمت آنچه را که از خبر شریف مستفاد میشود بملاحظه یمن و یسار کیفیت تشکیل مجلس بمینه همانطور ها بوده و الا یمن و یسار و انتها داشتن آن بی معنی است دیگر وارد کردن خوراک است متدرجاً که فعلا در بسیاری از ممالک معمول و مرسوم شده و در خبر هم وارد کردن حضرت خوراگرا تا نه رقم صراحت دارد و الا در صورت بودن جمیع خوراک در سفره این عبارت که ثم اتی باشد بی تناسب و خارج از فصاحت خواهد بود دیگر نخوردن در ظروف مسی است بملاحظه مواد کشفیه ای که در ذات مس کشف کرده اند و تبدیل دادن ظروف را بطرف چینی و لعابی و خزف و لفظ تورهم که در خبر است یکی از معانی آن که در لغت ضبط کرده اند ظرفی است از خزف دیگر دسری است که بعد از غذا صرف میکنند که عبارت است از مقداری شیرینی و فعلا هم در بسیاری از جاها معمول و مرسوم شده است و برای تحلیل غذا و حفظ الصحه باو

اهمیت میدهند این است که حضرت خوراک را خانمه داد بچلوا و شیرینی میتوان گفت این مهمانی باین کیفیت اولین مجلسی است که در دنیا تشکیل و به بشر تعلیم داده شد و احتیاج انسان باختلاف خوراک جهت تربیت بدن موقعش انشاء الله ذکر خواهیم نمود

## انسانیت و اخبار از مکر و ب

فی الوسائل قال رسول الله ص لا یمسح احدکم بشوب من لم یكسه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید مسح نکنید لباس کسی را که نه پوشیده است فی الوسائل - قال النبی ص الا لا تحقرن شیاً و ان صغرفی اعینکم فانه لاصغیر بصغیر مع الاصرار ولا کبیر بکبیر مع الاستغفار الا وان الله سئلکم عن اعمالکم حتی ان مس احدکم ثوب اخیه بین اصبعیه ترجمه نبی اکرم ص میفرماید حقیر شمارید البته چیز را اگرچه کوچک باشد در چشمهای شما نمی باشد صغیر کوچک با اصرار نمی باشد کبیر بزرگ با استغفار آگلا باشید خدا سؤال میکند از عمل های شما حتی از مس نمودن لباس برادرت را بین دوانکشتان نزد عقلا و دانشمندان حبر شریف قابل توجه و مورد دقت است اصول حفظ الصحه را مضمون اساس تمدن را حاوی انسانیت را سر مشقی است چون بعضی اشخاص در نتیجه بی مولائی و عدم اهتمام به نظافت و بی قیدی آنها به شست و شو لباس و بدن و دست آنها پر از کثافت و مواد میکروبی بوده و بحسب عادت در حین ملاقات دوست و رفیق نظر یا باظهار محبت یا بدیدن پارچه بادستهای کثیف و آلوده بچرک و عرق لباس آنها را گرفته شروع به مس نمودن لباس و مالش آن میشوند این عادت قبیحه بسیارے از مردم را که نظافت و پاکیزگی را شعار خود نموده و در حفظ الصحه میکوشند متفرد و منزجر مینماید زبان باعتراض و طرف را مورد ظمن و حملات خود قرار میدهند پس لازم و واجب است

که ترك این عادت نموده باعث انزجار طباع نشوند از این جهت است که شارع مقدس مسلباس را نهی و خبر داد که مورد مسئولیت خدا خواهد بود نظر باطلاق خبر و عام بودن آن و احتمال نکات دیگر بهترین است که بکلی بدون استثناء احدی ترك این عمل زشت شده انسانیت را پیشه خود به نمایند

## در خیابان راه رفتن و حرکت از طرف راست قانون اسلام است

فی البحار- وکان ص یحب التیامن فی کل اموره فی لبسه و تعله و ترجمه نرجه نبی اکرم ص دوست داشت طرف راست را در جمیع امور حتی در پوشیدن لباس و نعلین و پیاده شدن از مرکب ﷺ رسول اکرم ص در عصر و زمانیکه احصائیه نفوس بشر ملیونها کمتر از نفوس عصر حاضره بوده و ابدأ مرکبهای سریع السیر بهر صه ظهور و بروز نرسیده بود این قانون را وضع و بشر را تعلیم داد پس امروز با این کثرت نفوس و این مرکب های سریع السیر عمل باین قانون و سیر و حرکت از طرف راست برای حفظ نفوس از مهالك و مخاطر ضرور و از اهم امور است موافق سیاست و تمدن بوده عدل و رأفت را نمایش میدهد تنظیم اجتماعی بشر و عدم مزاحمت بهم دیگر که مقدمه آسایش و رفاهیت است منوط باو است این است که اسلام او را قانون و عمل را سر مشق جامعه قرار داد تبصره نظر به عام بودن لفظ امور و مخصوص نمودن امور غیر مهمه را بذکر لهذا خبر شریف دلالت بر حرکت نمودن حضرت را از طرف راست می نماید و این عنوان را شامل خواهد بود

## محبوبیت جاده مستقیم در اسلام

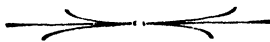
فی البحار - قال امیر المؤمنین ؑ علیکم بالبکروان بارت والجادة و ان دارت و بالمدينة و ان جارت ترجمه علی علیه السلام میفرماید بر شما باد بزن باکره اگر چه باشد کساد بر شما باد به عبور از جاده اگر چه باشد غیر مستقیم بر شما باد بسکنی در شهر اگر چه باشد در او جور تبصره چون مقصود اهمیت دادن این سه موضوع است و لو در موارد مرجوحه پس رجحان و محبوبیت در غیر موارد مذکوره بطریق اولی مسلم است

## تسمیه فرزندان

فی الوسائل - قال رسول الله ص استحسنوا اسمائکم فانکم تدعون بها يوم القيمة قم یا فلان ابن فلان الی نورک و قم یا فلان ابن فلان لانورک ترجمه رسول اکرم ص میفرماید نیکو بگذارید اسمهای خودتان را خوانده میشوید روز حشر بان اسمها گفته میشود برخیز ای فلان پسر فلان ملحق شو بنور خودت بر خیز ای فلان پسر فلان نیست روشنائی برای تو

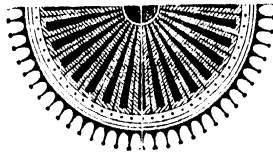
فی الوسائل - ان رسول الله ص کان یغیر الاسماء القبیحة فی الرجال والبلدان ترجمه رسول اکرم ص تغییر میداد اسم های بد را در مردها و در شهرها

فی الوسائل - عن ابی الحسن ؑ قال ازل ما یبر الرجل ولده ان یتسمیه باسم حسن فلیحسن احدکم اسم ولده ترجمه معصوم ؑ میفرماید اول نیکویی بدر نسبت بفرزند این است که مسمی کنند او را باسم نیک پس اسم نیک بگذارید جهت فرزندان



## انفعیت شیر مادر جهة طفل

فی الوسائل - قال رسول الله ص لیس لصبی خیر من لبن امه  
 ترجمہ رسول اکرم ص میفرماید نیست برائے طفل چیزے بہتر از شیر مادرش  
 فی الوسائل - قال رسول الله ص جعل الله رزقہ فی ثدی امہ فی احدہما  
 شرابہ و فی الاخر طعامہ ترجمہ رسول اکرم ص میفرماید قرار داد خداوند  
 رزق طفل را در دو پستان مادر یکی از آنها آب اوست دیگرے طعام  
 فی الوسائل - قال امیر المؤمنین ؑ ما من لبن رضع بہ الصبی اعظم برکة  
 علیہ من لبن امہ ترجمہ علی ؑ میفرماید نیست شیرے برائے طفل عظیم تر  
 از جهت برکت از شیر مادرش فی الوسائل - کان علی ؑ یتول انہموا  
 نسائکم ان یرضعن یمیناً و شمالاً فانہن ینسین ترجمہ علی ؑ میفرماید اعلام  
 کنید زن ہا را شیر بدہند از پستان راست و چپ چون فراموش میکنند  
 فی الوسائل - قالت ام اسحق نظر الی ابو عبد الله ؑ وانا ارضع احد ابنی  
 محمد و اسحق فقال یا ام اسحق لا ترضعہ من ثدی واحد و ارضعہ من  
 کلہما یکون احدہما طعاماً و الاخر شراباً ترجمہ مادر اسحق میگوید نظر  
 کرد بمن جعفر ابن محمد الصادق ؑ درحالتیکہ شیر میدادم فرزند مرا فرمود  
 شیر بدہ فرزندت را از دو پستان یکی از آنها طعام است دیگرے آب



# اسلام به خوش صورتی اطفال و اخلاق او اهتمام داده

فی الوسائل - قال رسول الله ص لانترضعوا الحمقاء ولا العمشاء فان اللبن يعدى ترجمه رسول اکرم ص میفرماید استرضاع نکنید زن کم عقل را و نه زنی که ضعیف است چشمش و سیلان میکند غالباً آب از چشم او چون شیر تعدی میکند در طفل فی الوسائل - قال رسول الله ص لانترضعوا الحمقاء فان اللبن يشب علیه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید استرضاع نکنید زنهای کم عقل را شیر نمو میکند در طفل فی الوسائل - ان علیاً کان یقول تخیروا للرضاع كما تخیروا للنکاح فان الرضاع یغیر الطباع ترجمه علی ء میفرماید اختیار کنید برای رضاع از زنهای خوش اخلاق و خوش صورت همانطورے که اختیار میکنید زنهای جمیله و خوش اخلاق را برای نکاح چون شیر تغییر میدهد طبیعت طفل را فی الوسائل - قال ابو جعفر ء استرضع لولدك بلبن الحسان و ایاك و القباح فان اللبن قد یعدی ترجمه محمد بن علی الباقر ء میفرماید استرضاع کن برای ولدت به شیر زنهای خوش صورت به پرهیز از زنهای قبیح المنظره چون شیر تعدی میکند در طفل فی الوسائل - عن ابی جعفر ء قال علیکم بالوضاء من الظنورة فان اللبن یعدی ترجمه حضرت باقر ء میفرماید بر شما است با استرضاع زنهای باکیزه چون شیر تعدی میکند در طبیعت طفل فی الوسائل - عن ابی جعفر ء قال لانترضعوا الحمقاء فان اللبن یعدی وان الغلام ینزع الی اللبن یعنی الی الظئر فی الرعونة والحدیق ترجمه معصوم ء میفرماید استرضاع نکنید زن کم عقل را شیر سرایت میکند در طفل و شبیه میشود بشیر ظهور میکند حمق دایه در طفل

## سلوك با اطفال

فی الوسائل - قال النبی ص من كان عنده صبی فلیتصاب له ترجمه بی  
 ا کرم ص میفرماید کسیکه دارای اولاد شد کودک بشود از برای او  
 فی الوسائل - قال رسول الله ص من قبل ولده کنب الله له حسنة ترجمه رسول  
 ا کرم ص میفرماید کسیکه بوسه کنند فرزندش را می نویسد خدا از برای او حسنه  
 فی الوسائل -- كان رسول الله ص یقبل الحسن و الحسین فقال الا قرع ابن  
 حارس ان لی عشرة من الولد ما قبلت احداً منهم فقال رسول الله ص من لا یرحم  
 لا یرحم ترجمه رسول ا کرم ص بوسه میزد حسن و حسین را اقرع عرض  
 کرد از برای من است ده اولاد تا کنون بوسه نکردم احدی از آنها را  
 فرمود کسیکه بی رحم است مرحوم نمیشود فی الوسائل - قال امیر المؤمنین  
 من كان له ولد صبا ترجمه عالی ، میفرماید کسیکه دارای اولاد شد کودک  
 بشود از برای او فی الوسائل - عن ابی عبد الله ، قال ان الله لیرحم العبد  
 لشدة حبه لوئده ترجمه صادق آل محمد ، میفرماید خدا رحم میکند بنده را  
 بواسطه شدت محبتش بفرزند فی البحار - عن ابی عبد الله ، قال قال موسی ابن  
 عمران ، یارب ای الاعمال افضل عندك فقال حب الاطفال فان فطرتهم  
 علی توحیدی فان امتهم ادخلهم جنتی ترجمه صادق آل محمد ، میفرماید  
 موسی ، عرض کرد اے پروردگارا کدام از اعمال افضل است نزد تو  
 فرمود دوست داشتن اطفال چون فطرت آنها بر توحید است اگر مردند داخل  
 میکنم آنها را در بهشت فی الوسائل - قال ، اکثروا من قبله اولادکم فان  
 لکم بكل قبله درجة فی الجنة مسيرة خمس مائة عام ترجمه معصوم ،  
 میفرماید بسیار بوسه کنید اولاد های خودتان را از برای شما است بهر بوسه  
 در بهشت درجه مقدار سیر پانصد سال فی الوسائل - عن ابی عبد الله ، قال

جاء رجل الى النبي ص فقال ما قبلت صبيا لي قط فلما ولي قال رسول الله هذا رجل عندي انه من اهل النار ترجمه جعفران محمد الصادق؛ میفرماید آمد شخصی خدمت رسول اکرم ص عرض کرد تاکنون بوسه نزد طفل خود مرا پس از اعراض فرمود این شخص در نزد من از اهل آتش است و محبت و دوستی نسبت با اولاد طبیعت هر حیوانی است این علقه و محبت در قلوب جمیع حیوانات انعام سباع طیور موجود و راسخ است بحدیکه جانرا برائے حفظ آنها سپر تبر بلا می کنند پس انسان که اشرف مخلوقات است و دارائے قوه مدرکة و حسن و قبحرا مہیز است باید کاملا این صفت را دارا و ریشه این محبت در قلبش محکم تر بوده باشد کسیکه در قلبش این محبت راهی نیافت و نسبت با اولاد اظهار نفرت نمود میتواند گفت يك همچہ آدمی از درجہ انسانیت بلکہ از رتبہ حیوانیت خارج و پست تر از حیوان است در محبت اولاد فوائد و تقائجی است کہ در این ورقہ گنجایش ذکر آن نیست لیکن بعضی از آنها را بنحو اجمال تذکر میدهم یکی از وسائل سلامت و حفظ الصحة اطفال مسرور و خوشحال نمودن آنها است چون اعضاء طفل در کمال لطافت است عروق و خون اعصاب و قلب او قوی و محکم نشدہ مسرت دل و فرح قلبی آن اعضاء را قوی نموده کلیہ قوای اعمالیہ او را تقویت میدہد سریع النمو و قوے الجثہ میشوند جریان خون در قلب و در کلیہ اعضاء با حالت حزن و غم خطرناک آنها را مستعد برائے قبول امراض می نماید محبت و دوستی از پدر و مادر بہترین وسیلہ ایست برای مسرور نمودن آنها بہترین کمکی است برای صحت و سلامت آنها این است کہ شارع مقدس امر نمود بوسہ و بازی کردن با آنها و اہتمام داد بدوستی و محبت داشتن بانها . محبت با اولاد سبب ازدیاد محبت است بین زن و شوہر علقہ با اولاد باعث

کثرت علقه است بین آنها آنچه نمایش محبت شود روابط دوستی بین آنها محکم تر گردد مخصوصاً محبت پدر کلبه زحمات مادر را از قبیل بیخوابی پرستاری ازالهُ کشفات و امثال ذالک آسان و ملایم می نماید با کمال آرامی و مهربانی و شوق و محبت زحمات طفل را متحمل شده ابداً نفرت انزجار طبع باو دست نمیدهد این است که طفل را با مهربانی در آغوش و تربیت نموده و حفظ الصحه او را کاملاً مواظبت مینماید نداشتن محبت و اظهار نفرت پدر کار های طفل را نزد مادر ثقیل و با زحمت نموده با حال خشونت و زبری و عبوس و قبض صورت کار طفلرا کرده در تربیت و حفظ الصحه او بی موالات و بی قید بوده بمرک او راضی میشود چه بسیار اطفال از دست این نوع پدر و مادر ها تلف و جان سالم بدر نبرده اند. محبت باولاد فرزندان را نزد مردم محترم و معزز مینماید سایرین هم آنها را دوست داشته بانها مهربانی میکنند بعیش و شادمانی و مسرت زندگانی خواهند کرد پس این محبت باندازه خود نتیجه تشکیل جامعه و نایف قلوب را میدهد جنک و خصومت را برطرف و زایل مینماید



## حفظ الصحة اطفال

فى البحار - اعرف يا مفضل مالاطفال فى البكاء من المنفعة واعلم ان فى ادمغة الاطفال رطوبة ان بقيت فيها احدثت عليهم احدثاً جليمة وعللا عظيمة من ذهاب البصر وغيره فالبكاء يسيل تلك الرطوبة من رؤسهم فيعتبهم ذلك الصحة فى ابدانهم و السلامة فى ابصارهم افليس قد جاز ان يكون الطئل ينتفع بالبكاء ووالداه لايعرفان ذلك فهما دائبان ليسكتانه ويتوخبان فى الامور مرضاته لتلا يبكى وهما لا يعلمان ان البكاء اصلح له واجمل عاقبة فهكذا يجوز ان يكون فى كثير من الاشياء منافع لايعرفها القائلون بالاهمال و لوعرفوا ذلك لم يقضوا على الشئى انه لا منفعة فيه من اجل انهم لايعرفونه ولا يعلمون السبب فيه فان كل ما لا يعرفه المنكرون يعلمه العارفون وكثيراً مما يقصر عنه علم المخلوقين محيط به علم الخالق جل قدسه و علت كلمته فاما ما يسيل من افواه الاطفال من الريق ففي ذلك خروج الرطوبة التى لو بقيت فى ابدانهم لاحداثت عليهم الامور العظيمة كمن تراه قد غلبت عليه الرطوبة فاخرجته الى حد البله والجنون والتخليط الى غير ذلك من الامراض المتلفة كالفالج و اللغوة وما اشبههما فجعل الله تلك الرطوبة تسيل من افواههم فى صغرهم لمالهم فى ذلك من الصحة فى كبرهم فننزل على خلقه بما جهلوه و نظر لهم بمالم يعرفوه ولوعرفوا نعمه عليهم لشغلهم ذلك عن التماذى فى معصيته فسبحانه ما اجل نعمته واسبغها على المستحقين و غيرهم من خلقه و تعالى عما يقول المبطلون علواً كبيراً ترجمه جعفر بن محمد الصادق ٤ فرمود عارف شو اى مفضل منفعتى را كه براى اطفال است در حال گريه بدان در سر اطفال رطوبتى است اگر باقى بماند در آن حادث ميشود در اطفال بلاى بزرگ از گورے چشم وغيره گريه خارج

میکنند آن رطوبت را از سرهای اطفال نتیجه میدهد صحت را در بدن سلامت را در چشم پس ممکن است گاهی طفل ارتفاع به برد از گریه و ملتفت نباشند پدر و مادر و جدیت دارند باسکات او و متوسل میشوند جهت خوشنودے او بامورے و حال اینکه نمیدانند گریه اصاح است برای او و نیکو است عاقبت او هم چنین ممکن است در بسیاری از اشیاء منافی باشد که پی نبرده اند آنها بعضی ها اگر بدانند این مطلب را حکم نمیگردند بر چیزی که نیست در او منفعت از جهة اینکه عارف نشدند بآن منفعت و عالم نشدند بآن سبب بجهت اینکه هر چیز را که عارف نشدند او را منکرین میدانند او را عارفین و بسیار چیزهایی است که عاجز است از درک آن علم مخلوقین محیط است باو علم خالق جل قدسه اما آب دهن که سبلان میکند از دهن های اطفال سبب خروج رطوبتی است که اگر بماند در بدنهای آنها حادث میشود امور بزرگ مثل کسیکه غلبه میکند باو رطوبت و میکشاند او را باحمقی و جنون و امراض متلفه مثل فلج و لغوه و شه آنها پس خداوند خارج میکند این رطوبت را از دهنهای اطفال در کوچکی بجهت سلامتی آنها در حال بزرگی تفضل میکند بر خلقش به چیزهاییکه جاهلند او را نظر دارد به ایشان به چیزهاییکه معرفت ندارند او را اگر عارف شوند به نعمتهای الهی که عطا فرموده است بآنها هر آینه اصرار نمی کردند در معصیت او مقدس است خدا چقدر عظیم است نعمت او تکمیل نمود نعمت را بر مستحقین و غیره بالا تر است از آنچه میگویند باطل کنندگان



# اطفال را بدروغ و تقلب عادت ندهید

فی الوسائل - قال رسول الله ص احبوا الصبيان و ارحموا هم و اذا وعدتموهم شيئاً ففوالهم فانهم لا يرون الا انكم ترزقونهم ترجمه رسول اکرم ص میفرماید دوست بدارید کودکان را و رحم کنید بآنها و قتیکه وعده دادید بآنها و وفا کنید بوعده خودتان چون نمی بینند رزق خودشانرا مگر بدست شما

فی البحار - قال رسول الله ص اذا وعد احدكم صیة فلینجز ترجمه رسول اکرم ص میفرماید و قتیکه وعده دادید به دختر پس بفعالت برسانید او را

فی الوسائل - قال لی ابوالحسن؛ اذا وعدتم الصبيان ففوالهم فانهم یرون انکم الذین ترزقونهم ان الله عزوجل لیس یغضب لشیء کغضبه للنساء والصبيان ترجمه راوی میگوید معصوم؛ فرمود و قتیکه وعده میدهید به کودکانها و وفا کنید بآنها چون می بینند شما را رازق خودشان خدای عزوجل غضب نمیکند از برائے چیزی مثل غضب نمودن ببهت خاطر زنها و کودکانها و وعده دادن به اطفال و مخالفت نمودن سبب اذیت و تعلیم عملی است بگفتن دروغ راه دروغ و تقلب را یاد گرفته باو عادت میکنند مال آنها برو سیاهی و شقاوت کشیده این است که معصوم؛ خلف وعده را نهی فرمود تنبیه از خبرسوم منتهی درجه تکریم نسوان و در توهین سخت ترین تهدید مستفاد میشود



# اسلام به تربیت اولاد اهمیت داده

فی الوسائل - قال النبی ص اکرموا اولادکم واحسنوا اداہم یغفر لکم ترجمہ نبی اکرم ص میفرماید اکرام کنید اولاد خودتانرا و آداب نیک بیاموزید بآنها خداوند میامرزد شما را فی الوسائل - قال رسول اللہ ص علموا اولادکم السباحة و الرماية ترجمہ رسول اکرم ص میفرماید تعلیم بدهید اولاد های خودتانرا شنای در آب و تیر اندازی را فی الوسائل - جاء رجل الى النبی ص فقال یا رسول اللہ ما حق ابنی هذا قال تحسن اسمہ و ادبہ وضعہ موضعاً حسناً ترجمہ آمد شخصی خدمت رسول خدا ص عرض کرد چه چیز است حق پسر من فرمود نیکو بگذار اسم او را بگذار او را موضع نیک فی الوسائل - قال رسول اللہ ص یلزم الوالدین من العقوق لولدہما ما یلزم الولد لہما من عقوقہما ترجمہ رسول اکرم ص میفرماید عاق میشوند پدر و مادر از اولاد همانطوریکہ عاق میشوند اولاد از پدر و مادر فی الوسائل - قال من حق الولد علی ولده ثلثة یحسن اسمہ و یعلمہ الکتابۃ و یتزوجہ اذ بلغ ترجمہ معصوم ؛ میفرماید حق اولاد بر پدر سه چیز است اسم نیک تعلیم نوشتن تزویج و قتیکہ بالغ شد

## اطفال را باید زینت کرد

فی الوسائل - قال سئلت ابا عبد اللہ ؛ عن الذہب یحلی بہ الصبیان فقال کان علی یحلی ولده و نساتہ بالذہب و الفضة ترجمہ راوی میگوید سؤال کردم از معصوم ؛ از زینت کردن اطفال را بطلا فرمود علی ؛ زینت میکرد

فرزند و زنهایش را به طلا و نقره فی الوسائل - قال سئلت ابا عبد الله ؑ عن الذهب و الفضة یحلی به الصبیان فقال انه کان ابی لیحلی ولده و نسائه الذهب و الفضة فلا بأس ترجمه راوی میگوید سؤال کردم از معصوم ؑ اطفال به طلا و نقره زینت کرده بشوند فرمود عیب ندارد پدرم محمد ابن علی زینت میکرد فرزند و زنهایش را به طلا و نقره فی الوسائل - قال سئلت ابا الحسن الرضا ؑ عن التهنیه بالولد متی هی قال انه لما ولد الحسن ابن علی هبط جبرئیل علی رسول الله فی الیوم السابع و امره ان یسمیه و ینکبه و یحلق راسه و یعقه عنه و یتقب اذنه و كذلك حین ولد الحسین ؑ اناه فی یوم السابع فامرہ بمثل ذلك قال وکان لهما ذوابتان فی القرن الایسر وکان الثقب فی الاذن الیمنی فی شحمة الاذن و فی الیسری فی اعلی الاذن فالقرط فی الیمنی فالشنف فی الیسری ترجمه راوی میگوید سؤال کردم از حضرت رضا ؑ از تهنیه به اولاد چه وقت است زمان او فرمود زمانیکه متولد شد حسن ابن علی ؑ نازل شد جبرئیل به رسول خدا ص در روز هفتم تولد امر کرد حضرت را باسم گذارے او و بکنیه و تراش سر و عقیقه و سوراخ کردن گوش هم چنین زمانیکه متولد شد حسین ؑ نازل شد جبرئیل و امر کرد او را بمثل حسن ؑ بعد فرمود از برائے حسن و حسین ؑ بود در ناصیه سرشقه از مو که کشیده بود او را بطرف چپ و سوراخ بود نرمی گوش راست و سوراخ بود گوش چپ از طرف بالا و او ریخته بود بآنها گوشواره  مخفی و پوشیده نمائاد که تزئین اطفال نه منحصر است بطلا و نقره لباسهای نو و فاخر را هم شامل است فوائد و محسنات زینت اطفال بنحو اختصار تذکر داده میشود . اظهار نعمت الهی . خوشحالی آنها از پدر و مادر . فرح و خوشحالی دل آنها . صحت مزاج و سلامتی بدن . عادت نمودن به تزئین خود در حال بزرگی . محبوب شدن آنها در قلوب .

جلب طبیعت به صحبت نمودن با آنها . عالم شدن آنها در صحبت و مکالمه قوی شدن استعداد از نمودن صحبت . مقدس و محبوب شدن قوانین اسلامیّه نزد آنها . حسن عاقبت . دخول در جنت .

## دوره تکمیل بیست و یک است

فی الوسائل - قال النبی ص الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین فان رضیت خلافته لاحدی و عشرين سنة والاضرب علی جنبیه فقد اعذرت الی الله ترجمه رسول اکرم ص میفرماید طفل آقا است تا هفت سال بنده است تا هفت سال وزیر است تا هفت سال پس اگر پسند شد طبیعت او تا بیست و یکسال فبها و الا زده شود به دو جنب او دیگر تو معذور هستی نزد خدا فی الوسائل - قال امیر المؤمنین ؛ یرف الصبی سبعاً و یؤدب سبعاً ویستخدم سبعاً الحدیث ترجمه علی ؛ میفرماید ملاطفت و در آغوش کشیده شود طفل تا هفت سال مؤدب شود هفت سال استخدام شود هفت سال فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؛ قال الغلام یلعب سبع سنین و یتعلم الکتاب سبع سنین و یتعلم الحلال و الحرام سبع سنین ترجمه صادق آل محمد ؛ میفرماید صبی بازی کند تا هفت سال یاد بگیرد خواندن کتاب را هفت سال یاد بگیرد حلال و حرام را هفت سال فی الوسائل - قال الصادق ؛ دع ابنک یلعب سبع سنین و یؤدب سبع سنین، والزمه نفسك سبع سنین فان افلح و الا فلا خیر فیه ترجمه حضرت صادق ؛ میفرماید او گذار کن بسرت را بازی کنند هفت سال ادب کرده شود هفت سال همیشه ملازم باش او را به تعلیم تا هفت سال پس اگر رستگار شد فبها و الا نیست خبری در او چون طفل در زمان نمو و رشد است حال سکونت برای آنها بسیار مضر آنها را علیل و مریض مینماید صحت و سلامت آنها موقوف است بحرکت بقیام قعود دوبدن بازی فریاد

حرکات طفل بهترین وسیله است برای استحکام مزاج و صحت مندی آنها بهترین کمکی است برای سرعت نمو و محکم نمودن استخوان و گوشت بدن اگر بدن قوے نشود قوای دماغی تقویت نکرده روح طبعاً کم ظرف و کم استعداد گردد در زمان تحصیل از عهده انجام وظایف خود بصعوبت بر می آید اطفال را بگذارید در مقابل حرکات طبیعی کسب استقامت نمایند بهر قسم شده است اهتمام نمائید سخت جان و پر طاقت تربیت بشوند ورزش و بازی و تفریح از قسمت های مستحسن دوره تحصیلات هر طفلی است البته اطفال را تا هفت سال به بازی های بچه گانه که معمول کلیه ممالک دنیا است مشغول نموده همین که پا به هشت سال گذاشت فوراً راه مدرسه را باو نشان داده و در تعلیم آن مواظب باشید بعلاوه چون بحسب طبیعت در این زمان معشوق و محبوب طفل حرکاتی است لهو و لعب این محبت او را کاملاً علاقه مند به بازی نموده عشق مفرطی در ذات و کمون او میباید جدا نمودن اطفال را از آن معشوق فوق العاده بآنها صدمه میزند کسانی که اطفال را از سن دو سالگی بدست لاله و مربی میدهند و اطفال را در تحت فشار آنها قرار داده و مانع میشوند از بروز عوالم آنها و نمیگذارند آنها را که به معشوق و محبوب خود برسند خطا و ظلمی است بآنها برای مربیان اطفال چیزی که لازم است فقط محافظت نمودن آنها است از مهالك و مخاطر و ممانعت نمودن است از حرفهای لغو و کارهای قبیح ممانعت و جلوگیری از عوالم طفل قطعاً در حال بزرگی آن مقصود بصورتی دیگر جلوه خواهد کرد چون نسکین قلب او نشده و آن مطلوب در ذات او باقی مانده ممکن است در حال بزرگی او را بلباس فسق و فجور نمایش دهد و از طریق مستقیم منحرف گردد از این جهت است که شارع مقدس اطفال را در هفت

سال اول آزاد و امر نمود که بازه مشغول بشوند نکته دیگر که از این اخبار مستفاد میشود عقیده سیاستون و دانشمندان دنیا در باره ترقیات هر مملکتی بدانش و علم اهالی آن مملکت است میزان ترقی و تنزل هر ملت را به قوت و ضعف علم دانسته اند و رسیدن رتبه بلند را جز بوسیله نردبان معارف ندانند و متفقند وقتی مملکت از نکبت جهل رستگار میشود که ذائقه اش شیرینی علم را بچشد پس هر ملتی که در بزمگه جهان دعوی حیات دارد باید در معارف با کمال سرعت سیر و نهایت تند روی به نقطه ترقی حرکت کند و با اهتمامی سریع خود را بکاروان سعادت برساند این است که حضرت ختمی مرتبت ص و هکذا حضرات ائمه معصومین و دوره تکمیل و ترقیات بشر را در ظرف بیست و یک سال قرار داد و مردم را در این مدت زمان بدانش و معارف امر و دعوت فرمود پس بحکم قانون بر هر کس لازم و واجب است که تا این مدت خود را از جهل که ماده المواد همه مخاطرات و بدبختی ها است برهاند و از حقیض نادانی و جهل باوج معرفت و علم گشایند با اسرع طریق خود را به سعادت ابدیه برسانند

## اخبار از اسید کربونیک

فی الوسائل - عن ابی عبدالله ؛ قال التفهقهة من الشیطان ترجمه معصوم ؛ میفرماید خندیدن با صوت از شیطان است فی الوسائل - عن ابی عبدالله ؛ قال ضحك المؤمن تبسم ترجمه معصوم فرمود خنده مؤمن تبسم است علاوه بر اینکه خنده با صدا خارج است از انسانیت و ادب موهون است صاحب او ممکن است از جهة نسبت دادن او را بشیطان نکته دیگری هم در نظر داشته چون لازمه قهقهه خارج شدن نفس است با سرعت ممکن است

بواسطه خروج این نحو بخار که موسوم است باسید کر بونیک فضا را پر کرده به ملاحظه سمیتی که در اوست تنفس او مضر و تولید بعضی امراض بنماید ز اینجهت است که اکیداً غدغن از او شده بخلاف تبسم که خنده ایست مایلم فقط سبب ظاهر شدن دندانها است موافق است با ادب ممدوح است صاحب او .

## معالجه ضعیف بدن

فی الوسائل - قال رسول الله ص شکى نبى قبلى الى الله الضعف فى بدنه فاحى الله اليه ان اطبخ اللحم واللبن فانى جعلت القوة والبركة فيها ترجمه رسول اکرم ص میفرماید شکایت کرد پیغمبرمے بخدا از ضعف بدن وحی کرد باو که طبخ کن گوشت را باشیر قرار دادم قوت و برکت را در آن

فی الوسائل - قال رسول الله ص عليكم باللحم فان اللحم ينمى اللحم و من مضى به اربغون صباحاً لم ياكل اللحم ساء خلقه و من ساء خلقه فاطعموه اللحم الحديث ترجمه رسول اکرم ص میفرماید بخورید گوشت را گوشت نمو می دهد گوشت بدن را کسی که بگذرد براو چهل روز و نخورد گوشت را بدمشود خلق او کسیکه بدشد خلق او بخوراید اورا گوشت

فی الوسائل - قال امير المؤمنين ء اذا ضعف المسلم فلياكل اللحم باللبن ترجمه علی علیه السلام میفرماید اگر ضعیف و کم بنیه شد مسلم بخورد گوشت را باشیر

فی الوسائل - عن علي عليه السلام قال ان نبياً من الانبياء شكى الى الله الضعف فى امته فامرهم ان ياكل اللحم باللبن فاستبانت القوة فى انفسهم ترجمه علی علیه السلام می فرماید شکایت کرد پیغمبرمى بخدا از ضعف امت امر کرد خدا که بخورند گوشت را باشیر پس ظاهر شد قوت در نفوسشان

فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال اللحم باليمن مرق الانبياء معصوم ؑ می فرماید گوشت با شیر آب گوشت انبیاء است فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال اللحم ینبت اللحم و من تركه ایاماً فسد عقله ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ؑ می فرماید گوشت می رویند گوشت بدن را کسی که ترك کند چند روزی خوردن گوشت را فاسد می شود عقل او

## ترحم بامحل

فی البحار- من کلام الصادق ؑ قال انی لارحم ثلاثة و حق لهم ان یرحموا عزیز اصابتہ مذلة بعد العز و غنی اصابتہ حاجة بعد الغنی و عالم یتخف به اهله و الجهلة ترجمه حضرت صادق ؑ می فرماید ترحم می کنم سه طائفه را و سزاوار است که ترحم کرده شوند . عزیز بکه دلیل شده است بعد از عزت . مالداری که فقیر شده است بعد از غنی . دانشمندی که استخفاف میکند او را اهانش و نادانها

## انصاف و مردانگی

فی البحار من کلام الصادق ؑ المروة مروتان مروة الحضر و مروة السفر فاما مروة الحضر فتلاوة القرآن و حضور المساجد و صحبة اهل الخیر و النظر فی التقیه و اما مروة السفر فبذل الزاد و المزاح فی غیر ما یسخط الله و قلة الخلاف علی من صحبتك و ترك الراویة علیهم اذا انت فارقیهم ترجمه حضرت صادق ؑ میفرماید مروت دو قسم است مروت حضر و مروت سفر مروت حضر . تلاوت قرآن . حضور در مساجد . صحبت نیکان . نظر تقوی . مروت سفر . بذل زاد . مزاح که نباشد در او غضب خدا . مخالفت نه نمودن با رفیق حتی المقدور . ترك مذمت آن ها وقت مفارقت

## تانس

فی البحار من کلام الصادق؛ الانس فی ثلثة فی الزوجة الموافقة و الولد البار و الصديق المصافي ترجمه معصوم ۴ می فرماید تانس در سه طائفه است . در زن موافق با طبع . در اولاد نیک . در رفیق خالص بی غش

## قوه الکتریسه در حال نطق یا قوه دفاعیه از برق

فی الوسائل عن ابی عبدالله قال یموت المؤمن بكل مئة الا الصاعقة لا تأخذ و هو ینکر الله عز وجل ترجمه صادق آل محمد ۴ می فرماید می میرد مؤمن بهر مردنی مگر از صاعقه نمی گیرد و را در حالیکه مشغول باشد بذكر خدا فی الوسائل - قال سئلت ابا عبدالله؛ عن مئة المؤمن قال یموت المؤمن بكل مئة یموت غرقاً و یهوت بالهدم و یتلی بالسمع و یموت بالصاعقة و لا تصیب ذاکراً لله عز وجل ترجمه راوی می گوید سئوال کردم از جعفر ابن محمد الصادق ۴ از مردن مؤمن فرمود میمیرد مؤمن به سببی میمیرد بسبب غرق میمیرد بسبب خراب شدن چیزی وی او مبتلی می شود بدرنده می میرد به صاعقه لیکن نمی رسد صاعقه او را در حال مشغول بودن او بذكر خدا فی الوسائل - قال الصادق ۴ ان الصاعقة لا تصیب ذاکراً لله عز وجل ترجمه معصومه ۴ میفرماید صاعقه نمی رسد بکسی که مشغول باشد بذكر خدا فی الوسائل - قال ابو عبدالله ان الصاعقة تصیب المؤمن و الکافر و لا تصیب ذاکراً ترجمه صادق آل محمد ۴

میفرماید صاعقه میرسد مؤمن و کافر را و نمی رسد ذکر گورالله به نحو کسلی هر تغییر بزرگی که در طبیعت مائه بظهور برسد باعث احداث الکتریسه میگردد و او را قوه آن نامند مثل نطق و تکلم نسبت به بدن مثل آن قوه است فشار و تغییراتی در بدن میدهد خون را بجریان می اندازد اصطکاکاتی در بدن ایجاد میکند این است که در بدن تولید الکتریسه میشود و بدن را نور افشانی میکند لذا بدن در حال نطق گرم شده و عرق از او خارج میشود مطلب مهم این است اینکه معصوم فرمود صاعقه نمیرسد ذکر گورالله را چه قوه ایست که جلو گیر است از قوه برقیه کشف این حقیقت را باید انتظار داشت ولی چون برای هر چیزی بحسب طبیعت درجات و مراتبی است ممکن این قوه را در بدن قوی و تکمیل نموده امور معظمه از او بظهور و نور افشانی او در بدن دیده شود قلم اینجا رسید سر بشکست

## اسلام امر بکوتاهی لباس فرموده

فی الوسائل - قال علی علیه السلام تشمیر الثیاب طهور لها قال الله تعالی و ثیابک فطهر ای فشمیر ترجمه علی علیه السلام می فرماید کوتاه بودن لباس سبب پاکیزه گی او است خداوند متعال فرمود به بیغمیر لباس را تطهیر کن یعنی کوتاه کن فی الوسائل - قال الروی کنت عند ابی جعفر از دخل ابو عبد الله؛ فقال ابی جعفر یا بنی الا تطهر قمیصک فذهب فظننا ان ثوبه قد اصابه شیئی فرجع فقال انهن دکذا فقلنا جعلنا فداک سا لقمیصه قال کان قمیصه طویلا فامرته ان یتصره ان الله عز وجل يقول و ثیابک فطهر ترجمه راوی میگوید خدمت محمد ابن علی الباقیر بودم وارد شد فرزندش جعفر ابن محمد؛ باو فرمود ای فرزند ایا تطهیر نمی کنی

لباست را پس تشریف بردند کمان کردم کشفاتی بلباس اورسیده بعد از مراجعت حضرت فرمود این است اندازه لباس عرض کردم فدای تو شوم چه شده بود لباس ایشان فرمود لباس او بلند بود امر کردم او را بکوتاه کردن لباس خداوند متعال به پیغمبرش فرمود کوتاه کن لباس را

فی الوسائل - عن ابی عبدالله ؑ فی قوله تعالی و ثیابک فطهر قال معناه ثیابک فتصیر ترجمه جعفر ابن محمد الصادق در تفسیر آیه شریفه و ثیابک فطهر می فرماید این است معنی او کوتاه کن لباس را فی الوسائل - قال ابوالحسن ؑ ان الله عزوجل قال ثیابیه و ثیابک فطهر و کانت ثیا به طاهرة و انما امر بالتشمیر ترجمه معصوم ؑ می فرماید خداوند متعال امر فرمود پیغمبرش را به تطهیر ثوب و حال این که لباسهای حضرت پاک و پاکیزه بود مراد این است که مامور شد بکوتاه نمودن لباس فی الوسائل - عن ابی الحسن ؑ قال ثلث من عرفهن لم یدعهن جزالشعر و تشمیر الثوب و نکاح الاعماء ترجمه معصوم ؑ می فرماید سه چیز است اگر کسی عارف شد بمحسّنات او ابداً واگذار نخواهد کرد آنها را از ازاله مو از بدن و کوتاه گرفتن لباس و نکاح کنیز علیه السلام حضرت ختمی مرتبت و هكذا حضرت ائمه معصومین؛ به پوشیدن لباس کوتاه مامور و او را به بشر تعلیم دادند فوائده کوناهی لباس زرنگی و چالاکی است در کار و شغل باعث نشاط است در نفس سبب پاکیزه گی است از کثافات و گیل و غبار زمین این است که در آیه شریفه کوناهی لباس را به تطهیر ثوب تعبیر و اشاره فرمود قایون گذار اسلام نه فقط نظافت و پاکیزه گی لباس را نظر داشته بلکه یک امر اقتصادے را نیز عقب آن ملحوظ نموده که امروزه او را مهم ترین وسیله زندگانی میدانند

## اسلام بکثرت لباس امر فرمودہ

فی الوسائل - قال قلت لابی عبد الله، یكون للمؤمن عشرة اقمصة قال نعم قلت عشرون قال نعم قلت ثلثون قال نعم لیس ہذا من السرف انما السرف ان تجعل ثوب صونك ثوب بذلتك ترجمہ راوے می گوید سئوال كردم از جعفر ابن محمد الصادق ؑ مؤمن می تواند ده پیراھن جہت خود تہیہ کند فرمود بلہ عرض كردم بیست پیراھن فرمود بلہ عرض كردم سی پیراھن فرمود بلہ اسراف نیست اسراف اینست کہ انسان لباسی را کہ حجتہ حفظ آبرو و شئونات خود تہیہ کردہ است در کارهای پست استعمال واورا کہنہ و ضایع کند فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال سألته عن الرجل الموسر یتخذ الثیاب الکثیرة الجیاد و الطیالسة و القمص الکثیرة یصون بعضها بعضا یتجمل بها ایكون مسرفا قال لا لان الله عزوجل یقول لینفق دوسعة من سعته ترجمہ راوے می گوید سئوال كردم از صادق آل محمد ؑ از آدم متمولیکہ تہیہ میکند جہت خود لباس بسیارے را کہ نووفاخر ہستند و لباسہائے اعیان و مشخصین و پیراھن ہائے بسیار کہ حفظ آبرو و شئونات خود کند از پوشیدن آنها و اظہار جمال و تشخیص کند بواسطہ آنها آیا میباشد اسراف فرمود اسراف نیست خداوند متعال ہی فرماید باید انفاق و خرج کند صاحب مکنت از ثروت خودش فی الوسائل - قال سألته ابا عبد الله ؑ عن الرجل یكون له عشرة اقمصة یراوح بینہا قال لا باس ترجمہ راوے می گوید سئوال كردم از صادق آل محمد ؑ از مرد یکہ از برائے او است ده پیراھن کہ بنوبت می پوشد آنها را فرمود عیب ندارد فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال لا باس ان یكون للرجل عشرون قمیصا ترجمہ جعفر ابن محمد الصادق ؑ می فرماید باکی نیست از برائے

مرد اینکه داشته باشد بیست پیراهن یکی از اصول مهمه حفظ الصحه و زنده کانی خوش کثرت لباس و زود عوض نمودن او است مختصری از فوائد او ذکر می شود . حفظ الصحه . کثرت عقل . التذاد و فرح انسان از تجدید لباس . زینت جهة حلیاه خود و التذاد و فرح او . زینت جهة برادران دینی . - مضار ادامه دریک لباس . متعفن شدن لباس از بخارات و عرق بدن . تولید جانور در بدن و اذیت نمودن آن ها . تنفس نمودن عفونت و صدمه آن . تهاجم مگس و بشه به بدن . بی میلی بخوردن غذا . ضعف و لاغرے . سوء اخلاق حزن و غم . قلت عقل و استعداد . صدمه عیال و فرزندان . تنفر جاسا و برادران دینی . مسمومیه خون . عارض شدن مرض

## پوشیدن چکمه را اسلام فرموده

فی الوسائل - عن ابی جعفر ؑ قال لبس الخف یزید فی قوة البصر ترجمه محمد ابن علی الباقر ؑ میفرماید پوشیدن چکمه تقویت میدهد نور چشم را فی الوسائل -- قال ابو جعفر ؑ لبس الخف امان من السل ترجمه محمد ابن علی الباقر ؑ میفرماید پوشیدن چکمه امانست از مرض سل فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال اذمان لبس الخف امان من السل ترجمه معصوم ؑ میفرماید مداومت به پوشیدن چکمه ایمنی است از مرض سل فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال اذمان الخف نفی مینه السل ترجمه حضرت صادق ؑ میفرماید همیشه پوشیدن چکمه نفی میکند مردنی را که بوده باشد از جهت سل فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال اذمان لبس الخف امان من الجذام قال قلت فی الشتاء ام فی الصيف قال شتاء کان اوصیفاً ترجمه صادق آل محمد ؑ میفرماید مداومت به پوشیدن چکمه ایمنی است از مرض جذام را و میگوید عرض کردم در تابستان یا در زمستان فرمود چه در زمستان و چه در تابستان

فی الوسائل — عن ابیعبد الله ؛ قال ان علیاً کان یلبس الخف فی السفر ترجمه معصوم ؛ میفرماید علی ؛ در سفر می پوشیدند چکمه را فی الوسائل - قال خرجت مع ابیعبد الله ؛ الی ینبع فلما خرجت رایت علیه خفاً احمر فقلت له جعلت فداک انها لخف الاحمر الذی اراه عليك فقال خف اتخذته للسفر و هو ابقى علی الطین و المطر واحمل له قلت فاتخذها و البسها فقال اما فی السفر فنعیم و اما فی الحضر فلا تعد لن بالسوداء شیئاً ترجمه راوی میگوید همسفر شمیم با جعفر ابن محمد الصادق ؛ دیدم پوشیده است چکمه قرمز را عرض کردم فدای تو شوم چکمه قرمز پوشیده ای فرمود تهیه کردم او را جهت سفر چکمه قرمز محکم تراست از جهت گل و باران عرض کردم من هم بگیرم و به پوشم فرمود اما در سفر بله و اما در حضر تجاوز نشود از رنگ سیاه بجز با اتفاق همه دکترها و اطباء دنیا حفظ پا و گرم نگه داشتن آن عمده از مرضها را جلوگیری است و قسمتی از مرضهای مهمه را به پوشانیدن پا و حفظ آن مداوا میکنند این است که مواظبت کنندگان حفظ الصحه ادامه به پوشیدن پوین و کفش داده حتی المقدور از پای بیرون نمی آورند و حضرات ائمه معصومین ؛ هزار سال کسری قبل خبر از این حفظ الصحه داده فرمودند پوشیدن چکمه چه در زمستان و چه در تابستان انسان را از مرض سل و جذام محافظت نموده و زیاد میکند نور چشم را



## مهم بودن لباس سفید در اسلام

فی الوسائل - قال رسول الله ص البسوا البياض فإنه اطيب واطهر وكنوا فيه موتاكم ترجمه رسول اکرم ص میفرماید به پوشید لباس سفید را چون با کبزه و طاهر تر است و کفن کنید در او مرده ها را فی الوسائل - قال النبی ص لیس من ثیابکم شیء احسن من البیاض فالبسوه و کنوا فیہ موتاکم ترجمه نبی اکرم ص میفرماید نیست از لباسهای شما رنگی بهتر از سفید پس به پوشید او را و کفن کنید در او مرده ها را فی الوسائل - عن النبی ص قال خیر ثیابکم البیاض فیلبسوا احیائکم وکننوا فیہ موتاکم ترجمه نبی اکرم ص میفرماید بهترین لباسهای شما سفید است پس به پوشد او را زنده های شما و کفن کنید در او مرده ها را فی الوسائل - کان رسول الله ص یکره السواد الا فی ثلث الخف و العمامة و الکساء ترجمه رسول اکرم ص کراهت داشت از پوشیدن لباس سیاه مگر در سه چیز چکمه و عمامه و عباءه فی الوسائل -

قال امیر المؤمنین؛ فیما علم اصحابه لاتبسوا السواد فانه لباس فرعون ترجمه علی؛ در جزء تعلیمات اصحاب میفرمود نه پوشید لباس سیاه را او است لباس فرعون فی الوسائل - عن صفوان الجمال قال حملت ابا عبد الله؛ الحملة الثانية الى الكوفة و ابو جعفر المنصور بها فلما اشرف على الها شمیه مدينة ابی جعفر اخرج رجله من غرض الرحل ثم نزل فدعا به بغلة شهباء ولبس ثياباً بيضاء و كمة بيضاء فلما دخل عليه قال ابو جعفر لو تشبهت بالانبياء فقال له ابو عبد الله عليه السلام و انی یبعدنی من انباء الانبیاء ترجمه راوی میگوید حرکت دائم جعفر ابن محمد الصادق؛ را در سفر دوم بکوفه و قتی که نزدیک شد بهاشمیه پیاده شد از مرکب و سوار شد به قاطر و پوشید لباس سفید و کلاه سفید را وارد شد بر منصور بحضورت عرض

کرد شبیه کرده خود را بانبیاء فرمود چه دور نموده است مرا از فرزندان انبیاء ﷺ اسلام منتهی درجه تمیزی و پاکیزه‌گی را به بشر تعلیم داده و او را بلباس سفید که نمایش دهنده کثافات و چرک‌ها است امر فرمود چون کثافات وارده بر آن بفوریت معلوم این است که انسان او را عوض یا شست و شو داده برعکس لباس سیاه رنگ آن مانع است از ظهور کثافات و معلوم انسان نخواهد شد علاوه پوشیدن لباس سفید بملاحظه منظره چشم باعث روشنائی قلب و فرح او است پوشیدن لباس سیاه باعث تیره‌گی قلب و حزن او است و امروزه ما پارچه‌های سفید که موسوم است برنگ کرم رو بازدیداد و فوق العاده مورد توجه و باو اقبال نموده اند

## اهمیت زینت در اسلام

فی الوسائل - عن النبی ص انه کان ینظر فی المرآة و یرجل جمته و یتمشط و ربما نظر فی الماء و سوی جمته فیه و لقد کان یتجمل لاصحابه فضلا علی تجمله لاهله و قال ان الله یحب من عبده اذا خرج الی اخوانه ان یتهبأ لهم و یتجمل ترجمه پیغمبر اکرم ص نظر میکرد در آینه و شانه میکرد موی سر را چه بسا اوقات نظر میکرد در آب و تسویه می نمود موی سر را و زینت میکرد برای اصحاب علاوه بر آن زینت هائیکه برای اهلش میکرد میفرمود خدا دوست دارد از بنده کانش کسانی را که میروند بسوی برادران خودشان تهیه به بینند برای آنها و زینت کنند خودشانرا فی الوسائل - قال امیرالمؤمنین ؑ لیتزین احدکم لآخیه المسلم كما یتزین للغریب الذی یحب ان یراه فی احسن الهیة ترجمه علی ؑ میفرماید باید زینت بکنید شما از برای برادر مسلم همین طوریکه زینت میکنید برای آدم غریب که دوست دارید به بینند شما را در نیکوتر هیئتی فی الوسائل - قال امیرالمؤمنین ؑ

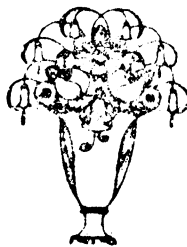
ان الله جميل يحب الجمال و يحب ان يرى اثر نعمه على عبده ترجمه  
 علی ۴ میفرماید خدا جمیل است دوست دارد زینت را دوست دارد به بیند  
 اثر نعمت را بر بنده فی الوسائل - قال ابو عبد الله ۴ انی لاکره  
 للرجل ان يكون عليه من الله نعمة فلا يظهرها ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ۴  
 میفرماید بدم می آید از مردیکه دارای نعمت باشد و او را اظهار نکند

فی الوسائل - عن ابی عبد الله ۴ قال ان الله عزوجل يحب الجمال والتجمل  
 و يبغض البؤس و التباس ترجمه معصوم ۴ میفرماید خداوند متعال دوست  
 دارد جمال و زینت را دشمن دارد اظهار فقر و پریشانی را فی الوسائل -  
 عن ابی عبد الله ۴ قال اذا انعم الله على عبد بنعمة احب ان يراها عليه  
 لانه جميل يحب الجمال ترجمه صادق آل محمد ۴ میفرماید نعمتبراه که  
 خداوند به بنده عطا فرمود دوست دارد به بیند او را چون اوست جمیل دوست  
 دارد جمال را فی الوسائل - عن ابی عبد الله ۴ قال البس و تجمل فان الله  
 جميل يحب الجمال و لیکن من حلال ترجمه معصوم ۴ میفرماید لباس به پوش  
 و زینت کن خود را خداوند جمیل است دوست دارد زینت را و باید باشد از حلال  
 فی الوسائل - قال الصادق ۴ ان الله يحب الجمال و التجمل و يبغض البؤس  
 و التباس فان الله اذا انعم على عبده بنعمة احب ان يرى عليه اثرها قال  
 قيل كيف ذلك قال يتنظف ثوبه و يطيب ريحه و يجصص داره و یکنس  
 افئيته حتى ان السراج قبل مغيب الشمس ينفي الفقر و يزيد فی الرزق  
 ترجمه صادق آل محمد ۴ میفرماید خداوند متعال دوست دارد جمال و  
 زینت را دشمن دارد اظهار فقر و پریشانی را اگر خدا عطا کرد نعمتی را  
 دوست دارد اینکه به بیند اثر نعمت را بر بنده اش سؤال کرده شد از حضرت  
 چیست اظهار نعمت فرمود نظافت لباس استعمال عطر و کسج نمودن عمارت و  
 جاروب کردن درب منزل تا اینکه فرمود روشن کردن چراغ پیش از

غروب آفتاب می برد فقر را و زیاد میکند رو زیرا فی الوسائل - قال ابو عبدالله ؑ لعید ابن زیاد اظهار النعمة احب الی الله من صیانتها فیاک ان تزین الا فی احسن ذی قومک قال فما رؤی عید الا فی احسن ذی قومه حتی مات ترجمه صادق آل محمد ؑ به عید ابن زیاد فرمود اظهار نمودن نعمت محبوب تراست نزد خدا از حفظ او زینت کن خود را به نیکوترین زینتهای قومت پس دیده نشد عید مگر در نیکو ترین زینت های قومش تا زمانیکه مرد

فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؑ قال اذا انعم الله علی عبده بنعمة فظهرت علیه سمی حبيب الله محدث بنعمة الله و اذا انعم الله علی عبد بنعمة فلم يظهر علیه سمی بغیض الله مکذب بنعمة الله ترجمه صادق آل محمد ؑ می فرماید وقتیکه خداوند نعمت داد به بنده اش پس ظاهر کرد او را نامیده میشود حبيب الله و حدیث کنندۀ نعمت او و اگر داد نعمتی را و اظهار نکرد او را نامیده میشود بغیض الله و تکذیب کنندۀ نعمت او و خداوند متعال مخلوقی شریف و کاملتر از آدمی ایجاد نفرموده معجون است که عقول از درک آن سرنجیر بزیر افکنده قادر متعال در باره او فرمود فتبارک الله احسن الخالقین و از برای او وظائف و دستورائی مقرر فرمود که توسط آن خود را بمراتب و مدارج عالیہ بکشانند فرمود قد افلح من زکیها انسان کسی است که خود را بصفات حمیدۀ و ملکات پسندیدۀ زینت دهد و مساوی اخلاق را از خود دور نماید و الا مصداق کالانعام بل هم اضل خواهد شد و بوادی ضلالت و کمراهی خواهد رسید در مقام دیگر فرمود دوست ندارم بنده را که بتجمل و زینت ظاهر خود و قری ندهد دشمن دارم او را دور است از رحمت من او است نزد من کاذب نوشته می شود

کذاب معلوم می‌شود رسیدن بمراتب عالیہ انسانیت نه همان تنها تخلیه و تجلیه نفس است بلکه تزئین ظاهر و تجمل را می‌توان رکن اعظم انسانیت شمرد و مدنیت بشر را متوقف باو دانست پس انسان کامل بحکم قانون کسی است که بهر دو امر متوجه و کوشش کند ظاهر و باطن را هم سنخ و مناسب هم دیگر قرار دهد همانطوریکه باطن خود را متوجه است و او را به مکارم اخلاق زینت میدهد همانطور بظاهر خود متوجه او را زینت دهد و اگر مقدار دقت در نکات اخبار شود اهتمام شارع مقدس را به تزئین بشر مستحضر خواهد شد فرمود خدا دوست دارد بنده را که موقع مهمانی جهت برادران دینی زینت کند از روع انصاف روح این خبر در بعضی از ممالک طلوع کرده و جلوۀ خود را میدهد کسانی که مطلع اند از مهمانیهای اروپا و امریکا به حقیقت این خبر خواهند رسید یکی از رسومات لازمه و آداب مهمه آنها که میتوان ترك او را جزو محالات شمرد پوشیدن لباس مخصوصی است مرقع مهمانی و زینت نمودن خودشان را بآن لباس معلوم است که زینت و تغییر لباس در اینگونه مجالس علاوه بر حفظ الصیحه صورت خوشی بخود خواهد گرفت این است که اسلام با اهمیت داده پس اسلام آنچه لوازم حفظ الصیحه و آدمیت است بیان فرموده را در زندگانی و تعیشرا به بشر تعلیم داد



# حمامهای دوش مطابق است با حفظ الصحه

فی الوافی- عن ابی الحسن الرضا ؑ قال من اخذ من الحمام خزفة فحك بها جسده فاصابه البرص فلا یلوم من الانفسه و من اغتسل من الماء الذی قد اغتسل فيه فاصابه الجذام فلا یلوم من الانفسه قال محمد ابن علی فقلت لابی الحسن ؑ ان اهل المدينة یقولون ان فيه شفاء من العین فقال کذبوا یغتسل فيه الجنب من الحرام والزانی والناصب الذی هو شرهما وکل خلق من خلق الله ثم یكون فيه شفاء من العین الحدیث ترجمه حضرت رضا ؑ میفرماید کسیکه بمالد به بدنش خزف حمام را پس برسد او را برص ملامت نکند مگر خود را کسیکه غسل کند از آبی که غسل کرده اند در او پس برسد او را جذام ملامت نکند مگر خود را راوے میگوید عرض کردم اهل مدینه میگویند غسل در این آب شفاء است از چشم فرمود دروغ گفته اند غسل میکند در او جنب از حرام و زانی و ناصب و هر کسی پس میباشد در او شفاء از چشم <sup>ک</sup> ترکیب شیمیائی آب حمامها که ذرات آن در مکر سکوب دیده میشود . غایت . بول . منی . خون حیض . استحاضه . نفاس عرق . چرک بدن . مکروب موے عانه زیر بغل سبیل سر . مکروب زیر ناخنها . مکروب دهن و منافذ دندان در حال مضضه . مکروب مذخرین در حال استنشاق . چرک گوش . بوسه و خون سر های کچل . مکروب جذام برص سل حصبه و امراض دیگر . مکروب جراحات دماہیل و زخماهای دیگر . مکروب آبله سر خبیجه مخملک زرمان . مکروب سوزاک سفلیس جلدی و غیره . این است مختصری از مواد ترکیب شده آب حمامها بملاحظه مجوف بودن بدن و موآن مواد مکروبی که در آب شناورند نفوذ در بدن نموده خطراتی

بر آن مترتب میشود اینکه در خبر فرمود غسل میکند در او هر خلقی نظر بهمین اشخاص هائے مختلفه است که وارد میشوند در آب و شست و شوی میدهد خود را پس کسانی که وارد میشوند در خزینہ با بدنہائے پراز کثافت و آلودہ بہ نجاست خارج است از نوع پرستی در واقع حیاتی است بجامعہ مسئول خدا و رسول ص خواهند بود غسل و نماز و روزه و بسیاری از اعمال آنها باطل این است کہ اهل آتش خواهند شد

## حقیقت انسانیت

فی البحار - من کلام الباقر ؑ واللہ ماشیعتنا الامن اتقی اللہ واطاعہ وماکانوا یعرفون الا بالتواضع و التخشع و اداء الامانة و کثرة ذکر اللہ والصوم و الصلوة والبر بالوالدین و تفقد الجیران من الفقراً وذوی المسکنة والغارمین و الایتام و صدق الحدیث و تلاوة القرآن و کف الالسن عن الناس الامن خیر وکانوا امناء عشائرهم فی الاشیاء ترجمہ محمد ابن علی الباقر ؑ میفرماید قسم بخدا نیست شیعه ما مگر کسیکه بہ نرسد از خدا و اطاعت کنند او را طبیعت و حالت آنهاست . تواضع . خشوع . اداء امانت . بسیار یاد خدا بودن . روزه . نماز . نیکی بوالدین . رسیدگی بهمسایه هائے فقیر و مردمان محتاج و مقروض و ایتام . گفتن راست . تلاوت قرآن . جلوگیری زبان از مردم مکر از خیر . میباشند امناء عشره در امور

## حقیقت دانش

فی البحار - من کلام الباقر ؑ لایکون العبد عالماً حتی لایکون حاسداً لمن فوقه ولا محترماً لمن دونه ترجمہ محمد ابن علی الباقر ؑ میفرماید وقتی انسان دانا است کہ حسد نہ برد بہ مافوق خود و بہ چشم حقارت نظر نکند بمادون خود

## الانسان مدنی بالطبع

فی البحار - من کلام الصادق ؛ قال له ابو عبیده ادع الله لی ان لا يجعل رزقی علی یدی العباد فقال ؛ ابی الله علیک ذالک الا ان يجعل ارزاق العباد بعضهم من بعض ولكن ادع الله ان يجعل رزقک علی یدی خیار خلقه فانه من السعادة ولا يجعله علی یدی شرار خلقه فانه من الشقاوة ترجمه ابو عبیده خدمت جعفران محمد الصادق ؛ عرض میکند از خدا بطلب برای من که قرار ندهد رزق مرا بدست مردم فرمود غیر ممکن است این مطلب برای تو خداوند متعال بمقتضای حکمت قرار داده است رزقهای مردم را بدست همدیگر لکن بخواه از خدا اینکه قرار دهد رزق تو را بدست مردمان نیک چون اوست سعادت و قرار ندهد بدست شرار خلق چون اوست شقاوت

## حفظ الصحیحہ

فی الوسائل - قال رأیت ابا جعفر ؛ قد خفف لحيته ترجمه راوی میگوید بدیدم حضرت باقر ؛ را خفیف کرده بود محاسن را فی البحار - عن ابی عبد الله ؛ قال من سعادة المرء خفة لحيته ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ؛ میفرماید از سعادت مرد خفة لحيه اوست

فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؛ قال يعتبر عقل الرجل فی ثلث فی طول لحيته وفي نقش خاتمہ وفي كنيته ترجمه حضرت صادق ؛ میفرماید سنجیده میشود عقل مرد در سه چیز در طول ریش و در نقش انگشتر و در کتبی فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؛ قال ما زاد من اللحية عن القبضة فهو فی النار ترجمه حضرت صادق ؛ میفرماید ریشی که زیاد شد از يك قبضه آن ریش در آتش است

فی الوسائل - عن ابی عبد الله ؛ فی قدر اللحية قال تقبض بيدك علی اللحية

و تجز ما فضل ترجمه حضرت صادق؛ در مقدار ریش میفرماید قبض کن بدست محاسن را و قطع کن زیادی را  $\text{ﷻ}$  بموجب اخبار آل عصمت؛ و اکتشافات فلاسفه و دانشمندان دنیا موهای بدن مجوف بوده کمک به تنفس و دفع بخارات سمیه از بدن مینمایند او را مهمترین وسیله از جهت تربیت بدن و حفظ الصحه دانسته اند چون موجب طبیعت آنچه زود قطع و ازاله شود نمو او سریع تر و امراض بدن را بهتر خارج نماید برعکس اگر مو طویل و بلند گردد حال تحیر و وقفه باو روی دهد از نمو و عمل باز مانده کاملاً بخارات سمیه بدن را دفع نه نماید این است که خون مسموم شده اعضاء بدن در قوه اعمالیه خود درست استقامت نکند در این صورت چون موی ریش طویل و بلند گردد بخارات سمیه مغز و سر در محل خود باقی مانده اعضاء باطنی سر را که محل قوه عاقله و متفکره است فاسد نموده اختلال در دماغ دست دهد لهذا عقل و ذوق انسان ضعیف گشته حرکات احمقانه از او سرزند این است که ائمه معصومین؛ طول لحیه را دلیل ححق و ریش زائد از یکقبضه را در آتش و سعادت بشر را به تخفیف آن دانست

## از وهم قوای ناریه و قشون در مملکت

سوره مبارکه انفال - واعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل الخ ترجمه مهیا کنید از برای دشمن آنچه استطاعت دارید از قوه و نظامیان سواره فی الوسائل - قال قال رسول الله ص واعدوا لهم ما استطعتم من قوة قال الرهنی ترجمه راوی میگوید رسول اکرم ص فرمود مهیا کنید از برای دشمن آنچه استطاعت دارید از قوه و نظامیان سواره بعد فرمود تیر انداختن است

فی الوسائل - قال الصادق؛ فی قول الله عزوجل واعدوا لهم ما استطعتم من قوة قال منه الخضاب بالسواد ترجمه حضرت صادق؛ در تفسیر آیه شریفه میفرماید از جمله تهیه قوه خضاب و مشکلی نمودن پرها است محاسن خود را

فی الوسائل — عن ایعبد الله ؛ فی قول الله واعدوا لهم ما استطعتم من قوة قال سیف وقرن ترجمه حضرت صادق ؛ در تفسیر آیه شریفه فرمود بشمشیر و سپر است <sup>۱</sup> باتفاق تمام عقلاء دنیا حیات هر ملت بقوه دفاعیه یعنی نظام مرتب است مملکتی نظام و بی لشکر محل چپاول دزدان و تطاول طماعان واقع شود هر کس که فی الجمله از اوضاع امروزه دنیا مستحضر باشد بخوبی میداند که بقاء و دوام مملکت بقشون و قوه دفاعیه وابسته و منوط است وضع پلٹیک دنیا برای ما بزرگترین شاهد است که امروز بی قشون بقاء یک ملت از حیز امکان بیرون است وقت آن نیست که برای محافظت و محاربت زور و قوت سر نیزه لازم نباشد امروز تمام دنیا اکل و ما کول هم اند هر ملت که میخواهد حیات پلٹیکی خود را حفظ نماید و در مقابل تلاطم امواج پلٹیک دنیا مقاومت کند و از لطامات طوفان حوادث دنیا محفوظ ماند ناچار است از تهیه قشون و نظام نداشتن قشون مملکت را تیره و تار و دچار بدترین مخاطرات مینماید بی قشونی مملکت را به فنا و اضمحلال دعوت مینماید باین جهت است که آیه شریفه منتهی مرتبه تحریض و ترغیب را کرده فرمود مهیا کنید جهت دشمن آنچه استطاعت دارید از قوه و نظامیان سواره پس در این صورت قوای ناریه و آلات دفاعیه و وسائل ضروریه و تقویت مملکت و نمایش شوکت بموجب آیه شریفه حتم و ضرور و رکن اعظم سیاست باو است

## منظم بودن حرکت در خیابان

از سواره و پیاده قانون اسلام است

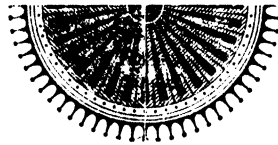
فی الوسائل — عن ابی الحسن موسی ؛ قال اذا قام قائمنا قال یا معشر الفرسان سیروا فی وسط الطریق یا معشر الرجاة سیروا علی جنبی الطریق فایما فارس اخذ علی جنبی الطریق فاصاب رجلا عیب الزهناه الدیة و ایما رجل اخذ فی وسط الطریق فاصابه عیب فالادیة له ترجمه موسی ابن جعفر ؛

میفرماید زمانیکه قیام کرد قائم ما اعلام میکند مردم را میگوید اے گروه سواره سیر کنید در وسط راه اے گروه پیاده سیر کنید در طرف راه هر سواریکه سیر کرد در دو طرف راه و صدمه وارد کرد به پیاده مازم میکنم او را بدیه و هر پیاده اے که سیر کرد در وسط راه و رسید باو صدمه نیست از برای او دیه به نحو کلمی اگر کسی بر خلاف اکثر عقلا و دانشمندان دنیا در اموریکه متفق الکلمه آنها است از حیث تعالی و ترقی قیامی کند و عمل را هجر خلاف آنها قرار دهد او را از سنخ خود خارج و اهل خردش نخوانند مثلاً امروز که جمیع ممالک دنیا کیفیت سیر در خیابانرا که برائے حفظ نفوس و تنظیمات مملکتی مرتب کرده و بشر را در تحت نظم و قانونی اداره کرده اگر کسی بر خلاف این قانون قیامی کند و اعلان آزادی دهد که هر کس از سواره و پیاده در سیر و حرکت خود مختار و آزادست و بیرق هرج و مرج که موجب انلاف بشر است باند و بر خلاف تنظیمات مملکتی جنبش کند قطعاً او را سرکوب و از این خواهند برد و اگر در کله او داعیه باشد او را برسمیت نخواهند شناخت و قانون او را بی روی نخواهند کرد اینست که حجة موعود عجل الله تعالی فرجه این ترتیب رویه و سیر را که مرغوبیت آن مسلم اهل دنیا شده و باعث حفظ بشر و ترتیب نظامات و استحکام مدنیت آنها است امضاء نموده قولاً و عملاً بقوه اجرامیگذازد مخالفین و متمردین را سیاست و مجازات خواهد نمود پس حرکت باین کیفیت قانونی است از قوانین اسلامیة این است که معصوم؛ خبر میدهد قائم ما سیر و حرکت سواره و پیاده را در خیابان باین کیفیت مرتب و منظم خواهد نمود



## اخبار از مکروب هوا

فی الوسائل- قال ابو عبد الله ء ان لكل ثمرة سما فاذا اتيتم بها فامسوها الماء و اغمسوها في الماء يعنى اغسلوها ترجمه صادق آل محمد ء ميفرمايد در هر ميوه سمى است آب بماليد باو و بشوريد او را <sup>نمته</sup> ذرات هوا مر کب است از خورده هاى کتان پنبه بشم مو شن ذغال خاك و مواد ديگر که موسومند به قارچ هاى هوايى باقسام مختلفه که بعضى از آنها علت امراض جلدى مى شوند بعلاوه در هوا حيوانات مکروبي موجود است که هر کدام کوچک تراست از هزارم ميليمتر و ممکن است يك مليون از آنها را در نوك سنجاقي قرار داد و در هوا شناورى ميکنند بسيارى از آنها مانع انداز التيام امراض جلدى لهذا اطبا بستن روى زخم را مواظبت و سفارش ميکنند در اين صورت هوايى که ذرات آن مر کب شد از اين مواد کثيفه و مکروبهائى مضره مدت زمانى روى ميوه جات نشسته آنها را مسموم ميکنند معلوم است خوردن همچو ميوه مسموم کنندنده خون صدمه زننده انسان و باعث بعضى امراض ميشود اين است که معصوم ء امر فرمود بشتن ميوه جات اينکه فرمود آب بماليد باو و بشوريد او را اهميت اين مواد سمى را ميتوان بدست آورد معلوم ميشود بفرود بردن آنها را در آب يا بريختن آب ازاله آن مواد نخواهد شد و محتاج است بماليدن دست در خبر شريف اگر نظر بمواد سمى و مکروب هوا نبوده پس سميت ميوه و شستن ظاهر آن چي است و چه اشاره ايست



## توسعه خلق و انصاف

فی البحار - قال النبی ص یا علی ! احسن خلقک مع اهلك و جيرانک و من تعاشر و تصاحب من الناس تکتب عند الله فی الدرجات العلی یا علی ما کرهته لنفسک فاکرهه لغيرک و ما احببته لنفسک فاحبها لایحیک تکن عادلاً فی حکمک مقسطاً فی عدلک محبباً فی اهل السماء مودوداً فی صدور اهل الارض احفظ وصیتی انشاء الله تعالی ترجمه نبی اکرم ص فرمود یا علی نیک کن خلقت را نسبت باهل و همسایه و با هر کسی که معاشرت و مصاحبت میکنی او را از مردم نوشه می شوی نزد خدا در درجات بلند یا علی آنچه را که بد میدانی جهت خود برای غیر هم بد بدان او را آنچه را که دوست میداری جهت خود برای غیر هم دوست دار او را میباشی عادل در حکم محبوب در اهل آسمان محبوب در اهل زمین حفظ کن وصیت مرا انشاء الله

## مستحقین اهانیت

فی البحار - قال النبی ص یا علی ! ثمانية ان اهنوا فلا یلوه و الا انفسهم الذاهب الی مائدة لم یدع الیها و المناقر علی رب البیت و طالب الخیر من اعدائه و طالب الفضل من اللئام و الداخل بین اثین فی سر لم یدخله فیہ و المستخف بالسلطان و الجالس فی مجلس لیس له باهل و المقبل بالحديث علی من لا یسمع منه ترجمه رسول اکرم ص فرمود یا علی هشت طایفه اگر توهین کرده شوند ملامت نکنند مگر نفس خودشان را . کسیکه برود بمهمانی بی دعوت ، مهمانی که تحکم کند بر صاحب خانه . کسیکه طالب خیر کند از دشمن . کسیکه طلب عطیه کند از مردمان لئیم . کسیکه داخل شود بین دو نفر در امر پنهانی که داخل نکرده باشند او را . کسیکه توهین کند سلطان را . کسیکه جلوس کند در مکانی که نداشته باشد اهلیت او را . کسیکه تکلم کند برای کسیکه نمی شنود از او .



کیت

ف  
۳۹۰۶۲۹۷

آخری درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعار  
لی گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی  
صورت میں ایک آنہ یومیہ دیرا نہ لیا جائے گا۔

---













